

مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقوش بزر
در سنگ‌نگاره‌های منطقه «شترسنگ»
خراسان رضوی با نقوش مشابه در
فلات ایران/ ۱۰۷-۸۹



نمای بسته از سنگ‌نگاره اصلی
"شترسنگ" مشهد (شهریور ۱۳۹۸)
مأخذ: نگارنده.

مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقوش بز در سنگ‌نگارهای منطقه «شترسنگ» خراسان رضوی با نقوش مشابه در فلات ایران

فرزانه نجفی *

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۶

صفحه ۸۹ تا ۱۰۷

چکیده

سنگ‌نگار در ایران دارای پراکندگی‌های گسترده‌ای است که با نمونه‌های کشف‌شده در سایر نقاط دنیا دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های ظاهری و مفهومی قابل توجه است. نقوش صخره‌ای موجود در منطقه «شترسنگ» یکی از هزاران نمونه سنگ‌نگارهایی است که در خراسان شکل گرفته‌اند، بیانگر زندگی مبتنی بر پایه دامداری و شکارگری انسان عصر پارینه‌سنگی است. نقوش برجامانده در این صخره‌ها مانند سایر سنگ‌نگارهای مناطق مختلف دربرگیرنده نقوش جانورسان و نقوش انسان نما است که در بین نقوش موجود بیشترین نقش را نقش بزکوهی به خود اختصاص داده است. در بین نقوش موجود در سایت «شترسنگ» برخلاف پراکندگی‌های متنوع نقوش صخره‌ای در سایر نقاط ایران، نقوش گیاهی، سمبلیک و انتزاعی بندرت مشاهده می‌شود. در بین نقوش جانورسان، نقش بزکوهی به عنوان یکی از مهم‌ترین حیوانات در تداوم زندگی بشر حاکی از اهمیت فراوان این موجود است که در نقوش صخره‌ای منطقه «شترسنگ» به‌وفور مشاهده می‌شود. نقش بز، نماد آب، ماه، آبادانی، فراونی، حاصلخیزی و نماد زندگی است. هدف این پژوهش، معرفی و شناخت سنگ‌نگارهای منطقه «شترسنگ» با تأکید بر نقش بزکوهی و وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخص نقوش این منطقه در قیاس با نقوش متنوع سایر مناطق کشور است که تاکنون مورد پژوهش و مطالعه جدی پژوهشگران قرار نگرفته است. این پژوهش در پی پاسخ دادن به این سؤالات است: ۱. نقوش بزکوهی در سنگ‌نگارهای منطقه شترسنگ دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ۲. بین ساختار طراحی، اجرا و تنوع نقوش بزکوهی در منطقه مورد مطالعه این پژوهش چه شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخصی با سایر نقوش سنگ‌نگارهای ایران، وجود دارد؟ روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد با توجه به ریخت‌شناسی سنگ‌نگارها و اسناد و مدارک موجود در ارتباط با نقش بز تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش از تاریخ در ایران، می‌توان به این نکته اشاره کرد که نقش بزکوهی در محوطه «شترسنگ» نیز، اغلب به‌صورت استیلیزه و خلاصه‌شده بدون اشاره به هیچ‌گونه تزئیناتی با استفاده از خطوط افقی برای طراحی بدن و چند خط مورب برای طراحی پاها، ترسیم شده است. همچنین، بزهای حک شده در محوطه مورد پژوهش مانند اغلب نقوش سنگ‌نگارهای سایر نقاط ایران؛ به صورت نیمرخ با یک شاخ یا دو شاخ با منحنی‌های کوتاه یا بسیار بلند با عدم تناسب نسبت به بدن جانور، طراحی شده است. بزهای نیمرخ اغلب با دو پا طراحی شده‌اند و در مواردی نیز بزهایی با طراحی سه و چهار پا نیز تصور شده است. بین بزهای مناطق مختلف ایران، به‌جهت ریخت‌شناسی یا فرم و نیز محتوی و معنا یکسانی وجود دارد و شیوه حکاکی اغلب سنگ‌نگارهای ایران و نیز منطقه «شترسنگ» به شیوه پتروگلیف است. باستان‌شناسان با گاه‌نگاری نسبی و تقریبی حکاکی و ترسیم سنگ‌نگارها در منطقه «شترسنگ» را به دوره پارینه‌سنگی نسبت داده‌اند.

واژگان کلیدی

شترسنگ، سنگ‌نگار، نقوش جانورسان، نقش بز، خراسان، فلات ایران.

مقدمه

آنچه امروزه تحت عنوان هنر صخره‌ای نامیده می‌شود یادگاری است از نقاشی‌ها، حکاکی‌ها و نقش برجسته‌های پر از رمز و رازهایی سمبولیک و شگفت انگیز بر سطح سنگ‌ها و صخره‌هایی که بیانگر پیشینه فرهنگی و تمدن مردمانی است که در مناطق مختلف زندگی کرده‌اند. نقوش این سنگ‌نگاره‌ها که امروزه در دسته آثار هنری از دوران پارینه سنگی تا عصر معاصر قرار گرفته‌اند نتیجه زندگی انسان‌ها و جوامع قبل از پیدایش خط است که با ظهور انسان هوتو (هوشمند) آغاز شده است و پس از اختراع خط و نگارش، این نوع از تصاویر حضور کم‌رنگ‌تری در زندگی بشر پیدا کرده است. واکاوی این آثار، کمک شایانی به شناخت پیشینه فرهنگی مردمان آن مناطق و شناخت شرایط اقلیمی، فرهنگی و نحوه زندگی آنها خواهد داشت.

ایران با قدمت تاریخی خود دربرگیرنده موزه‌های طبیعی است که در دل جای جای صخره‌های این کهن سرزمین، داستان تمدن‌هایی را در خود جای داده‌اند که در برگیرنده نقوش انسان‌نما، جانورسان، گیاهی، انتزاعی و سمبولیک است که دارای شباهت‌های ظاهری نمادین و یکسانی با یکنواختی و پراکندگی‌های متفاوت در نقاط مختلف ایران است. نمایش گونه‌های جانوری متفاوت در میان سنگ‌نگاره‌ها و نقوش صخره‌ای بیانگر گونه‌های جانوری موجود در آن مناطق است که عموماً به شکل نمادین طراحی و حک شده‌اند و بیانگر ارزش و اهمیت و جایگاه ویژه این جانوران در زندگی انسان آن دوران است که زندگی او مبتنی بر کوچ نشینی، دامداری و شکار این حیوانات یا دست یافتن به راهی برای اهلی کردن این جانوران بوده است. نحوه طراحی نقوش این جانوران شباهت بسیار زیادی دارد بر نقوش جانوری سفال‌های پیش از تاریخ که خود بیانگر تأثیرات فرهنگ‌های کوچ‌رو و یکجانشینی است که در نقاط مختلف ایران ساکن بوده‌اند. محوطه مورد مطالعه این پژوهش «شترسنگ»، مانند اغلب نقاط ایران دارای نقوش صخره‌ای منحصر بفردی است با پراکندگی متفاوت بر روی تخته سنگ‌هایی منحنی شکل با ترکیبات عنصر آهن و نقوش صخره‌ای انتزاعی و سمبولیک از نوع پیترولگلیف. بیشترین نقوش قابل مشاهده در تخته سنگ اصلی موجود در منطقه و نیز بر روی سطح سنگ‌های پراکنده در محوطه، نقوش جانورسان با تمرکز بر نقش بزکوهی است که همراه تعدادی نقوش انسان نما احتمالاً سوار بر شیر، اسب، یوزپلنگ یا انسان در حال شکار نیز در بین این نقش‌ها قابل مشاهده است. وجود این نقوش نشان از دیرینگی سکونت انسان در این محوطه دارد.

هدف اصلی این پژوهش، معرفی و شناخت سنگ‌نگاره‌های محوطه «شترسنگ» (درخت بید) و وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخص نقوش جانورسان (بزکوهی) این منطقه در قیاس با نقوش متنوع این جانور در سایر نقاط ایران

است. سوالات پژوهش عبارت است از: ۱. نقوش بزکوهی در سنگ‌نگاره‌های منطقه شترسنگ دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ۲. بین ساختار طراحی، اجرا و تنوع نقوش بزکوهی در منطقه مورد مطالعه این پژوهش چه شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخصی با سایر نقوش سنگ‌نگاره‌های ایران، وجود دارد؟ **ضرورت و اهمیت تحقیق** شناخت بخشی از سنگ‌نگاره‌های جغرافیایی شمالشرقی ایران به عنوان نشانه‌هایی از سکونت انسان قبل تاریخ می‌باشد.

روش تحقیق

جستار پیش رو به صورت توصیفی-تحلیلی و با ابزار جمع آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در روش میدانی پس از شناسایی محوطه «شترسنگ» یا «درخت بید» به صورت پیمایشی در هفته اول نیمه شهریور ماه ۱۳۹۸، پژوهشگر با توجه به پراکندگی نقوش موجود در تخته سنگ‌های محوطه شناسایی شده، فریم‌های بسیاری از پراکندگی این نقوش را به صورت مجموعه نقوش یا تک تصویر عکاسی کرده است. با توجه به تعداد زیاد تصاویر و شباهت ساختار ظاهری و نوع طراحی و حکاکی این نقوش و نیز به علت خوانا نبودن کامل نقوش در منطقه به جهت آسیب‌های جدی انسانی و فرسایش جوی، تعداد معدودی از تصاویر صرفاً جهت نمونه در این پژوهش ارائه شده است. برای مشخص شدن بهتر ساختار طراحی نقوش ارائه شده و قابلیت تطبیق بیشتر، طراحی خطی نقوش به شکل نرم‌افزاری نیز استخراج شده است. تصاویر عکاسی شده از جهت تکنیک و ساختار طراحی نقوش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و داده‌های محقق با یافته‌های نقوش مشابه سایر پژوهشگران در برخی از محوطه‌های تاریخی ایران مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است. به طور تقریبی حدود ۸۰ سنگ‌نگاره در منطقه «شترسنگ» موجود است که جامعه آماری این پژوهش را نقوش بزکوهی موجود در منطقه مورد پژوهش و پراکندگی این نقش در سایر نقاط ایران مانند مناطق «اسبقته یزد» با ۱۷ صخره نگاره، سنگ‌نگاره‌های «چربت» در استان خراسان رضوی با حدود ۱۰۰۰ سنگ نگاره، «دره نگاران» در سراوان با حدود ۱۷ نقش مجزا، تپه «شاه فیروزجان» در استان کرمان، سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی در منطقه «لاخ مزار» با حدود ۳۰۷ سنگ نگاره، سنگ‌نگاره‌های «آسو» با ۵۱ نقش و سنگ‌نگاره‌های منطقه «ارگس سفلی» از توابع بخش زند شهرستان ملایر با مجموع ۹۴ سنگ‌نگاره، را در بر گرفته است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کمی و کیفی انجام شده است. علاوه بر این، ساختار طراحی و تنوع در اجرای نقوش سنگ‌نگاره در مناطق مختلف ایران و منطقه «شترسنگ»، مورد ارزیابی قرار گرفته است و در جدول‌های ارائه شده تطبیقی، نقوش مورد ارزیابی و تحلیل



استان خراسان جنوبی واکاوی کرده‌اند. آنها در پژوهش خود نقوش موجود در این مناطق را در اشکال انسانی، حیوانی و نقوش انتزاعی از جهت مفاهیم و شرح عمومی نقوش مورد بررسی قرار داده‌اند و گاه نگاری محوطه‌های مورد پژوهش خود را به سه دوره پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی تقسیم کرده‌اند.

مسعود رشیدی نژاد و مهدی زمانیان (۱۳۸۸)، در مقاله خود "بررسی سنگ نگاره‌های نویافته مزرعه حاج مد و دره مراد بیک همدان" در نشریه پیام باستان شناس، شماره شش از دوره یازدهم، نگاره‌های انسان نما را در "دره مراد بیک" به پنج نمونه و نگاره‌های جانورسان را به ۳۶ نمونه که در برگزیده جانوران مختلفی است، تقسیم کرده‌اند. همچنین در این پژوهش به معرفی دو نمونه سنگ‌نگاره به شیوه باستانی و امروزی نیز اشاره شده است. پژوهشگران، در نتایج خود نقوش موجود در سنگ نگاره‌های مناطق مورد مطالعه خود را به سه دسته انسان نما، جانورسان و سمبلیک تقسیم کرده است. پژوهش گسترده مرتضی فرهادی (۱۳۷۷)، با عنوان "موزه‌هایی در باد: معرفی مجموعه عظیم سنگ‌نگاره‌های نویافته تیمره"، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، شماره هفتم و هشتم، شاید یکی از غنی‌ترین پژوهش‌هایی است که به موضوع سنگ‌نگاره‌های ما قبل تاریخ در ایران می‌پردازد. در کتاب "سنگ نگاره‌های شرق مرکزی ایران"، حمید رضا قربانی و سارا صادقی (۱۳۹۵)، به تفصیل به واکاوی و دسته بندی نقوش مختلف صخره‌ای موجود در منطقه شرق خراسان که منطقه‌ای است با فراوانی نقوش صخره‌ای متنوع، پرداخته‌اند. پژوهشگران فصل سوم کتاب را به بررسی و سیر تحول نقش بزکوهی در منطقه مورد پژوهش خود اختصاص داده‌اند. محققان همچنین در این بخش از مطالعات خود به مقایسه نقش بزکوهی با نقوش سفال‌ها، ظروف سیمین عصر ساسانی و ... پرداخته‌اند که بخشی از اطلاعات این کتاب مطالب ارزنده‌ای را در راستای موضوع مورد پژوهش این مقاله با تأکید بر "نقش بزکوهی"، در اختیار پژوهشگر قرار داده است.

فرهادی، در پژوهش خود به تفصیل به اشکال و نمادهای مختلفی که در سنگ‌نگاره‌های "تیمره" وجود دارد، پرداخته است و برخی از آنها را با نمونه‌های موجود در کشورهای دیگر مقایسه کرده است. محقق در بخشی از پژوهش خود به بررسی نقش بزکوهی خصوصاً بزکوهی نر (کل) اشاره می‌کند که یکی از منابع اصلی شکار در آن منطقه بوده است و با پژوهش پیش رو همسو است.

مبانی نظری پژوهش

-تاریخچه هنر صخره‌ای (سنگ‌نگاری)

آنچه که امروزه هنر صخره‌ای نامیده‌اند، نمونه‌هایی از هنر انسانی است که هنوز موفق به کشف خط نشده است.

کافی قرار گرفته است. در انتها بر اساس داده‌های محقق و مقایسه‌های انجام شده بر روی نقوش مشابه ارائه شده در تحقیقات سایر پژوهشگران در حیطه هنر سنگ نگاره و نیز بررسی نقوش حیوانی بزکوهی با نقوش بزکوهی بر جای مانده از برخی ظروف و مجسمه‌ها در ایران نیز، مورد مقایسه قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس" محمود بختیاری شهری (۱۳۸۸)، در مجله مطالعات باستانشناسی، در پاراگرافی و نیز بخشی از جدول ارائه شده در پژوهش خود بصورت خلاصه تنها به تعداد تقریبی نقوش موجود در سنگ‌نگاره‌های "شترسنگ" به صورت مستقیم اشاره کرده است. اگرچه اداره میراث فرهنگی مشهد اسناد و اطلاعات ثبت شده مفیدی را که توسط کارشناس مربوطه انجام شده است در اختیار دارد؛ علی‌رغم پیگیری‌های مکرر پژوهشگر، حاضر به همکاری و در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم نشده است. عدم دسترسی به داده‌های باستانشناسی منطقه پژوهشگر را بر آن داشته است تا صرفاً متمرکز شود بر نقوش جانورسان (بزکوهی) سنگ‌نگاره‌ها که متأسفانه با تصاویر ناشیانه و غیرحرفه‌ای انسان معاصر آمیخته شده و بشدت در معرض آسیب قرار گرفته است.

طبق آنچه در پژوهش‌ها به آن اشاره شده است، اولین پژوهش در ارتباط با نقوش سنگ نگاره‌ها در ایران، توسط گروهی از زمین‌شناسان ایتالیایی در (۱۹۵۸) در منطقه "گژ" در سیستان و بلوچستان ایران انجام شده است (بیک‌محمدی و جانجان، ۱۳۹۱: ۱۲۲). اما پژوهش‌ها در ارتباط با سنگ نگاره‌ها یا صخره نگاره‌های خراسان که با اهداف پژوهش پیش رو در ارتباط بیشتری است برای اولین بار توسط جمال رضایی و صادق کیا (۱۳۳۰)، در گزارشی با عنوان "مطالعات باستانشناسی کال جنگال" در خراسان جنوبی" توسط انجمن ایرانویج، انجام شده است که باعث خوانش کتیبه‌های اشکانی این منطقه نیز شده است. اما جامع ترین طرح پژوهشی در قالب گزارشی منتشر نشده با عنوان "بررسی و مطالعه باستانشناسی و انسان شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی)" در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی توسط حمید رضا قربانی (۱۳۹۲)، صورت گرفته است که منجر به شناسایی و رمزگشایی ۲۰ نوع از سنگ‌نگاره‌های این استان شده است. در مقاله "تحلیل سنگ‌نگاره‌های محدوده تاریخی خراسان بزرگ، در استان خراسان جنوبی"، فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ در شماره شش از دوره ۲۱، حمیدرضا قربانی، سارا صادقی و حسن هاشمی زرج آباد (۱۳۹۴)، به تفصیل ۷۴۹ نقش نگاره را در ۲۰ منطقه در

با حضور انسان هوشمند، بر بدنه صخره‌ها که شاید این صخره‌ها بهترین و اولین تکیه گاهی مناسبی است برای خلق آثار انسان آن روزگار، هنر صخره‌ای آغاز شد. این نوع خاص از هنر با شکل‌گیری ارتباطات و اختراع خط حضور کمرنگ تری پیدا کرد و رفته رفته به فراموشی سپرده شد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۸). نقوش صخره‌ای تصاویر حاوی پیام‌ها و روایت‌هایی است که بخش تاریک زندگی انسان عصر پارینه سنگی تا دوران معاصر را با مطالعات باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، نمادشناسی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره برای ما روشن خواهد کرد. خاستگاه و زادگاه اولین نمونه‌های بدست آمده از هنر صخره‌ای را می‌توان قاره اروپا، خصوصاً آثار بدست آمده از غارهای مرز بین اسپانیا و فرانسه دانست. با وجود اینکه نقوش صخره‌ای بسیاری را در مناطق مختلفی از جهان مانند ایتالیا، هند، آرژانتین، سوئد، کلمبیا، شیلی، پرو، نیجریه و نقاط دیگری در دنیا، می‌توان مشاهده کرد، در قسمت‌های کوهستان‌های شرقی، مرکزی، جنوب و غرب ایران نیز گنجینه‌های عظیمی از آثار صخره‌ای، قابل مشاهده است که در برگیرنده نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی و انتزاعی است (همان، ۵۸-۵۹). نکته قابل توجه در ارتباط با نقوش هنر صخره‌ای این است که این نقوش با توجه به پراکندگی‌های گسترده‌ای که در نقاط مختلف جهان و ایران دارند از جهت ریخت‌شناسی یا فرم و نیز محتوی و معنا دارای شباهت‌های یکسانی است (ملاصالحی، سعیدپور، مومنی و بهرامزاده، ۱۳۸۶: ۳۵). در دسته بندی نقوش صخره‌ای طبق نظر محققان سه گونه نقوش و نگارینه‌های صخره‌ای وجود دارند که به «پتروگلیف» یا «کنده کاری»، «پیکتوگراف» یا رنگین نگاره و نیز «ژئوگلیف» دسته بندی می‌شوند. اما در بین دو گونه اول نامبرده شده که بیشتر در ایران قابل مشاهده است، نقوش صخره‌ای ایران بطور عمده در قالب نقوش پتروگلیف قرار می‌گیرند (همان، ۵۹). همچنین، نقوش صخره‌ای مورد مطالعه این پژوهش در منطقه «شترسنگ» در خراسان رضوی نیز جز نقوش «پتروگلیف» قرار دارند که عموماً با ابزاری نوک تیز به عمق ۲ تا ۳ میلی متر بر روی سنگ کندکاری و خراشیده شده‌اند.

ویژگی‌ها و موقعیت جغرافیایی برخی از سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران

سنگ‌نگاره‌ها یکی از قدیمی ترین نقوش برجای مانده از دوره‌های مختلف تاریخی است که دارای پراکندگی‌های متفاوتی در نقاط مختلف ایران و جهان است. کشور ایران از نظر فراوانی هنر صخره‌ای، خصوصاً سنگ‌نگاره بسیار ثروتمند است و دارای مجموعه‌های ارزشمندی است با نقوشی با پراکندگی‌های متنوع در اغلب مناطق ایران مانند مناطق شمال غرب، مناطق مرکزی ایران، مناطق جنوبی (جنوب شرقی و شرق میانی) و... که در برخی از نقاط ایران

هنوز سنگ‌نگاره‌هایی بسیاری وجود دارند که شناسایی نشده‌اند و در انتظار جستجوی پژوهشگران علاقمند به این حیطه است. به صورت کلی تمامی سنگ‌نگاره‌های جهان معمولاً به دو شکل کنده نگاره و رنگین نگاره ایجاد شده‌اند که هر دو نمونه در بین صخره نگاره‌های ایران قابل مشاهده است. اما بر طبق بررسی‌های پژوهشگران اغلب سنگ‌نگاره‌های ایران به شیوه کنده نگاره ترسیم شده‌اند که از جهت کمیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند (مردانی و ولدانی، ۱۳۹۲: ۲). به جهت قدمت تاریخی می‌توان به این نکته اشاره کرد که منطقه کوه‌دشت لرستان در برگیرنده اولین سنگ‌نگاره‌های بدست آمده در ایران است که دارای قدمتی بین حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ است (فرهادی، ۱۳۷۷: ۱۵). در ادامه مطالب این بخش به نقوش موجود در سنگ‌نگاره‌های برخی از مناطق ایران اشاره شده است و تصاویر پراکندگی جغرافیایی سنگ‌نگاره‌های مناطق اشاره شده به تفکیک در جدول شماره یک، ارائه شده است.

در منطقه کوهستانی در فاصله ۲۰۰ متری جنوب شرقی روستای ارگس سفلی از توابع بخش زند شهرستان ملایر در استان همدان سنگ‌نگاره‌هایی در دو مجموعه A در بخش جنوب غربی با ۳۷ نگاره و مجموعه B در بخش غربی با یک مجموعه منسجم حدود ۵۷ نگاره، قابل مشاهده است. سنگ‌نگاره‌های این محوطه در دو مجموعه هندسی، انسانی و جانوری دسته بندی شده‌اند. در میان نقوش سنگ‌نگاره‌های «ارگس سفلی»، تعداد محدود و نمادینی از نقوش هندسی نیز قابل مشاهده است. در حالی که تعداد قابل توجهی از نقوش موجود در منطقه اختصاص دارد به نقوش جانورسان مانند نقش بز (در حالت‌ها و با طراحی مختلف)، اسب و خانواده سگ سانان و نقوش انسانی در حال شکار، سوار بر اسب یا انسان‌هایی پیاده با کمان و نیزه؛ به دور از هرگونه نوشتار و علائم نگارشی. نقوش این سنگ نگاره‌ها به شیوه کوبه‌ای بر روی سطح سنگ‌هایی از جنس سنگ آهن به صورت حکاکی با ضربات پی در پی، به دور از هرگونه حجم و بُعد به شیوه ساده و فاقد هیچ تزئین یا جزئیاتی مصور شده است. نقش بزکوهی نسبت به سایر نقوش از جهت کمی بیشترین تعداد را با فاصله زیاد و با پراکنش در محوطه ارگس، به خود اختصاص داده است. در ارتباط با ساختار طراحی این جانور باید به این نکته اشاره کرد که بزها دارای شاخ‌های کمانی و بلندتر از اندازه واقعی و بدون تناسب نسبت به بدن و نیز شاخ‌هایی هلالی شکل که تا نزدیک دم جانور ادامه دارد، طراحی شده‌اند. شاخ‌ها عموماً به صورت دوتایی و در اکثر موارد با استفاده از قانون پرسپکتیو ترسیم شده‌اند. علاوه بر این، ترسیم حیوانات از جمله بزکوهی به صورت نیم رخ و به دور از حالت سه بعدی از دیگر ویژگی‌های سنگ‌نگاره‌های این محوطه است. اکثر حیوانات از جمله بزها با کمترین

با به تصویر کشیدن نقش بزکوهی که بیشترین نقوش حیوانی موجود در محوطه را به خود اختصاص داده است و نیز وجود نقش درخت در بین سایر نقوش گیاهی موجود در سنگ‌نگاره‌ها، اهمیت و فراوانی این نقوش را در ارتباط با زندگی بشر آن دوران مصور کرده است. نقوش موجود در منطقه نشانی است از طبیعت حاکم بر منطقه و محیط پیرامون زندگی انسان آن دوران که تأثیر بسیار زیادی بر نحوه تفکر خالق آن نقوش داشته است و نیز نشانی است از اهمیت و وجود زیست گاه مناسب این جانوران در منطقه هلیل رود. به جهت اقلیم گرمسیری و رطوبت موجود در منطقه جیرفت علاوه بر نقش بزکوهی، شتر، اسب و خانواده سگ سانان، نقش جانورانی مانند عقرب، مار در بین نقوش بر جای مانده قابل مشاهده است. نقش بزهای مصور شده به صورتی انتزاعی، با بدنی کشیده به صورت خطی و گاه بدن این جانور به صورت تو خالی با طراحی محیطی، شاخ‌هایی با ابعاد متفاوت و به صورت تکی و دوتایی، منحنی و خم شده به سمت عقب، به همراه دو یا چهار پا (دو پا در قسمت عقب و دو پا در قسمت جلوی بدن جانور و گاه نمایش چهار پا در طول بدن بز) و بدنی با تحرک کم، مصور شده است. در ارتباط با گاه شماری نقوش سنگ‌نگاره‌های این محوطه به این نکته می‌توان اشاره کرد که کهن ترین نقوش موجود در منطقه نشانی است از عصر کمانداری و شکار که با اهمیت تدریجی کشاورزی در زندگی انسان آن دوران، نقوش گیاهی نیز در بین نقوش سنگ‌نگاره‌ها به تدریج متداول شده است (صافران و کامرانی نژاد سیرجانی، ۱۴: ۱۳۹۷-۱۶).

در منطقه پشتکوه در جنوب غربی استان یزد در روستای شوان، مزرعه‌ای با نام «اسبخته» یا «هسبخته» وجود دارد. در مزرعه «اسبخته» مجموعه‌ای از سنگ‌نگاره بر روی سطح ۱۷ صخره دارای پراکندگی است که شامل نقوش جانورسان، انسان نما، نقوشی مثل دایره، ضربدر، صلیب، گردونه مهر، سه زانویی چرخان، نقوش فنجانی و نقوش انتزاعی است. نکته قابل توجه در سنگ‌نگاره‌های این منطقه (صخره شماره هشت) وجود خط کوفی ساده، خط نسخ و خط کوفی بنایی در کنار نقوش بسیار قدیمی تر و باستانی است. شیوه اجرایی نقوش موجود در محوطه «اسبخته» به شیوه حکاکی توپر و در مواردی به صورت محیطی، به شکل استیلیزه با خطوطی بسیار ساده و به شیوه انتزاعی به تصویر در آمده است. در بین نقوش موجود در محوطه، با پراکندگی متفاوت بر روی صخره‌های موجود، بزکوهی بیشترین نقوش حک شده را به خود اختصاص داده است. وجود تفاوت رنگی قابل مشاهده در بین سنگ‌نگاره‌های اسبخته، نشان از حکاکی این نقوش در فاصله زمانی متفاوت است. برخی نقوش بسیار قدیمی تر بر اثر فرسودگی، اکسید شدن و هوازدگی بشدت آسیب دیده و به راحتی قابل خوانش نیست. در کنار نقوش قدیمی تر نقوش مربوط

تحرک به صورت ساکن طراحی شده‌اند. از جهت تاریخی با مقایسه سنگ‌نگاره‌های این محوطه به جهت ریخت‌شناسی با نمونه‌های سنگ‌نگاره‌های شناسایی شده در منطقه همدان و نیز در مقایسه با سایر نقاط ایران، به جهت سبک حکاکی و ریخت‌شناسی نگاره‌هایی که از هزاره چهارم به دلیل تعاملات فرهنگی گسترده بر جای مانده است؛ با رعایت احتیاط قدمت سنگ‌نگاره‌های دو مجموعه A و B محوطه ارگس را می‌توان به دوان تاریخی عصر اشکانی و بعد از آن نسبت داد (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۳۱-۱۳۸).

در نه کیلومتری غرب روستای جربت در محدوده شهرستان جاجریم، در قسمت شمال شرق کشور یکی از مناطق مهم صخره‌ای ایران و منطقه جغرافیایی خراسان شمالی وجود دارد. در محوطه‌ای به طول بیش از ۵۰۰ متر، تعداد حدود ۱۰۰ قطعه سنگ که به طور تقریبی در برگرفته حدود هزار سنگ‌نگاره قابل شناسایی است، پراکنده شده‌اند. نقوش سنگ‌نگاره‌های این محوطه بر طبق یافته‌های پژوهش مردانی و ولدانی (۱۳۹۲)، شامل پنج دسته جانورسان، انسان نما (به همراه ابزار و وسایل شکار)، هندسی، انتزاعی و نقوش کتیبه‌ای است. در مجموعه سنگ‌نگاره‌های «جربت»، مانند اغلب سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران، نقوش جانورسان مانند بزکوهی، بیشترین حجم سنگ‌نگاره‌ها را به خود اختصاص داده است. همچنین پژوهشگر به این نکته اشاره کرده است که در این محوطه بزهای کوهی با ابعاد و ساختار طراحی متفاوت قابل شناسایی است که اغلب بزها با شاخ‌هایی بسیار بلند با اغراق در نسبت بین شاخ و بدن جانور طراحی شده است. وجود نقوش حیوانات اهلی و نیز وجود نقش سگ نشان از ویژگی زندگی دامداری و چوبانی است؛ علاوه بر این، نقوش بر جای مانده از ابزار آلات شکار مانند تیر و نیزه، شمشیر، کمان و حتی تفنگ یکی از دلایل زندگی مبتنی بر شکار در محوطه مورد پژوهش را نشان می‌دهد. نقوش ایجاد شده به شیوه کوبشی و در مواردی با تکنیک خراش بر سطح سنگ، ایجاد شده است. به جهت گاه نگاری نقوش بر جای مانده در سایت «جربت» در طول دوره زمانی متوالی، از عصر مفرغ جدید تا دوران اسلامی را شامل شده است (۲-۸).

سنگ‌نگاره‌های بدست آمده از قسمت‌های غربی «تپه شاه فیروز» کرمان که تپه‌ای است سنگی در میانه دشتی بین تپه‌ها و کوه‌های جنوب شرقی شهرستان سیرجان و کوه‌های شمال شرقی، یکی از کهن ترین آثار فرهنگی و هنری بدست آمده در استان کرمان است که از دیدگاه تاریخی و هنری حائز اهمیت است. نقش بزکوهی و درخت سرو در کنار یکدیگر علاوه بر اینکه بر سنگ‌نگاره‌های «تپه شاه فیروز» می‌توان مشاهده کرد، بر نقوش سنگ‌های صابونی باقی مانده از تمدن جیرفت نیز، نقش بسته است. تشابه افکار و اشتراکات فرهنگی، عقاید و باورها یکی از دلایل تشابه نقوش موجود در این منطقه در دوران‌های مختلف است. انسان آن عصر



تصویر ۱. پراکندگی جغرافیایی سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران. مأخذ: نگارنده.

منطقه را به حدود هزاره‌های چهارم تا هشتم ق.م نسبت داده‌اند در حالی که اغلب نقوش متعلق به دوره میانه حدود ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال ق.م است (بزی و حاتم، ۱۳۹۲: ۷-۹). استان خراسان جنوبی به علت دارا بودن بار فرهنگی غنی دارای آثار و نشانه‌های فرهنگی متفاوتی است. نقوش صخره‌ای (سنگی) بر جای مانده در بخش‌های مختلف استان دارای پراکندگی متفاوتی در مناطقی مانند سنگ‌نگاره‌های "آسو" (بخش مرکزی بیرجند) با ۵۱ نقش حیوانی، انسان نما، نمادین و ابزار آلات، "لاخ مزار" که از مهم ترین مراکز تمدن بشر (جنوب شرقی بیرجند با کتیبه‌هایی مربوط به عصر ساسانی، اشکانی و دوران پیش از تاریخ تا عصر معاصر) با مجموع نقوش و کتیبه‌های شناسایی شده در منطقه با ۳۰۷ مورد، سنگ‌نگاره های "رامنگان" (بخش مرکزی شهرستان سر بییشه)، سنگ‌نگاره "جاده اسد آباد" (در کیلومتر پنج جاده اسدی به طبس)، سنگ‌نگاره "تنگه پنجه شیر" (توابه شهرستان نهبندان) و سنگ‌نگاره "دره انجیر" (بخش شوسف شهرستان نهبندان)، است. نقش مایه‌های برجای مانده از شش محوطه نام برده شده شامل نقوش انسان نما، جانورسان، هندسی یا نمادین، گیاهی، نقوش ابزار آلات مختلف مانند تیر و کمان، کتیبه‌های برجای مانده از عصر ساسانی و اشکانی و نیز خطوط تصویری، است. عمده نقوش بر جای مانده از صخره "لاخ مزار" شامل نقوش حیوانی است که طبق برداشت‌های باستان‌شناسان به دو دسته پستانداران (شیر، قوچ، بزکوهی، گاو و...) و پرندگان (طاووس، کیوتر و نامشخص) تقسیم شده‌اند. در ارتباط با تطبیق نقوش جانورنما در محوطه لاخ مزار با نقوش پنج محوطه اشاره شده در استان خراسان جنوبی می‌توان به وجود حیواناتی مانند شیر، اسب، گرگ، بزکوهی، سگ، گوزن و برخی از نقوش حیوانی دیگر که به

به دوران اسلامی و حتی معاصر نیز به تصویر در آمده است. بر اساس نقوش مختلف موجود در محوطه و ریشه یابی نقوش بر طبق اسناد تاریخی موجود مانند وجود ابزار آلات شکار یا اشاره به زمان اهلی شدن حیوانی مانند بزکوهی، محقق تاریخ تقریبی این نقوش را به حدود ۹۵۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد برای نقوش تیره تر و هزار اول پیش از میلاد را تاریخ تقریبی نقوش جدیدتر تخمین زده است. همچنین در بین نقوش سنگ‌نگاره‌های محوطه "اسبخته"، نقوشی مربوط به آیین مهرپرستی و نیز در کنار نقوش بسیار قدیمی تر، دو کتیبه تاریخدان مربوطه به قرن هشتم هجری نیز مصور شده است (آیتی زاده، ۱۳۹۳: ۸۷-۸۰).

در «دره نگاران» در فاصله ۳۶ کیلومتری شمال غربی دهستان ناهوک و حدود ۷۰ کیلومتری شهرستان سراوان و در رشته کوه‌های سیاهان، در بین دره‌های پر آب و با صفا در انتهای دشت آبرفتی ناهوک، مجموعه‌ای از سنگ‌نگاره‌های بی نظیر و سمبولیک با حدود ۱۷ نقش مجزا در قسمت جنوبی دره ناهوک با استفاده از متریال‌ها و کانی‌های رنگی طبیعی مانند منیزیم، یا اکسید آهن که با طیفی از رنگ‌های قهوه‌ای تیره تا سیاه نقاشی شده است، شناسایی شده است. ویژگی قابل اهمیت سنگ‌نگاره‌های منطقه "ناهوک" در تجمع بیش از هزار نقش مصور شده در محدوده کوچکی از این دره سرسبز است که این سنگ‌نگاره‌ها را می‌توان به عنوان بزرگترین مجموعه شناخته شده در ایران با قدمتی ۱۰ هزار ساله و مربوط به عصر پارینه سنگی (هزاره اولق. م.) دانست که در سال ۱۳۸۲ ثبت ملی شده است. باستان‌شناسان، نقوش موجود در "دره نگاران" را که اغلب شامل نقش‌های انسانی و حیوانی است را به جهت تاریخی به سه دوره قدیم، میانه و جدید دسته بندی کرده‌اند. ویژگی منحصر به فرد نقوش این منطقه که بیشتر انسان‌هایی (با لباس یا بدون لباس؛ همچنین انسان بالدار شبیه عقاب) در حال جنگ و سوار بر حیواناتی چون اسب، گاو کوهاندار یا حیوانات دیگر است، نشان از ورود مهاجران و مهاجمان در اول هزاره قبل از میلاد به این سرزمین است. غیر از نقوش انسانی نقوش جانورسان چون بزکوهی، قوچ، جبیر، گاو کوهاندار، شتر دوکوهان، گاو میش، سگ، روباه، گوره خر ایرانی (الاغ وحشی)، مار، پلنگ، یوزپلنگ، حیوانی شبیه موچه خوار، نقوش انتزاعی مانند نقوش فنجانی، تعداد محدودی نقوش گیاهی و نقش صلیب شکسته نیز در میان نقوش موجود در سنگ نگاره‌ها مشاهده شده است. در میان نقوش حیوانی موجود در محوطه "دره نگاران" که مانند سایر سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف دیگر ایران و جهان، بیشترین نقوش را به خود اختصاص داده است، نقش بزکوهی بیش از سایر نقوش جانورسان قابل مشاهده است. اندازه نقوش حیوانی حک شده در "دره نگاران" حدود ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر است. قدمت کهنترین نقوش موجود در

جدول شماره ۱. ویژگی های نقش بز در برخی مناطق مختلف ایران، مأخذ: نگارنده.

ویژگی های نقش بز در مناطق مختلف ایران				
محوطه	سنگ نگاره	نقوش	محوطه	سنگ نگاره
نقش بز، منطقه کمرمقبولا، خراسان رضوی (نگارنده، ۱۳۹۸).		نقش بز با طراحی متفاوت شاخ، منطقه ارگس سفلی B، ملایر-همدان، (بیک محمدی، جانجان؛ بیک محمدی، ۱۳۹۱).		نقش بز کوهی، میمند کرمان (نادعلیان، ۱۳۸۶).
نقش بز کوهی و نیز صحنه شکار دسته جمعی در دره نگاران در ناهوک (بلیاسی، ۱۳۹۸).				
نقش بز کوهی و درخت سرو، صخره نگاره تپه فیروز جان، جیرفت (صفاران و همکار، ۱۳۹۷).		نقوش انسانی و بز در سنگ نگاره های ارسباران (محمدی قصریان، ۱۳۹۴).		
نقش بز در سنگ نگاره های قروه، کردستان (محمدی قصریان، ۱۳۹۴).		نقوش حیوانی با تمرکز بر نقش بز، محوطه نخلستان، بیرجند (قربانی، ۱۳۹۲).		
نقش بز در سنگ نگاره های مدی، مشکین شهر (۱۳۹۷).		نقش بز، منطقه بیژان، بیرجند، خراسان جنوبی (قربانی، ۱۳۹۲).		
نقش بز کوهی، سنگ نگاره های جریت، بیرجند، خراسان جنوبی (قربانی و همکار، ۱۳۹۴).		انسان در حال شکار و استفاده از ابزار کمان، منطقه میمند، کرمان (فرهادی، ۱۳۷۷).		
نقش بز، سنگ نگاره های تیمره، لرستان (فرهادی، ۱۳۷۴).		بزهای کوهی در حال نبرد، سنگ نگاره آسو، بیرجند (قربانی، ۱۳۹۲).		
نقوش بز کوهی، سنگ نگاره اسبقته یزد (آینی، ۱۳۹۳).		شکار بز کوهی، دره شاه فیروز، سیرجان (فرهادی، ۱۳۷۷).		



تصویر ۲. نقش بزکوهی با ساختار طراحی متفاوت بر روی سفالهای مناطق مختلف ایران، موزه ایران باستان. مأخذ: نگارنده.

نیا قابل احترام بوده‌اند یا به دلیل وجود قدرت‌های طبیعی شان و جایگاهی که در زندگی مردمان آن عصر داشته‌اند، مورد پرستش قرار گرفته‌اند (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶-۶۷). بزکوهی با توجه به اسناد و مدارک تاریخی از قدیمی‌ترین نمادهای شناخته شده در تاریخ بشر است که در ایران باستان، از اوایل عصر نوسنگی تا امروز در قالب‌های متفاوتی مانند مجسمه‌های بر جای مانده از پناهگاه‌های عصر نوسنگی (سراب، گنج دره و...)، نقاشی بر روی ظروف سفالی (ظروف بر جای مانده از تپه سلیک، شوش، اسماعیل آباد و...)، بصورت کنده کاری بر روی ظروف یا بر روی صخره‌ها و... قابل مشاهده است.

این حیوان روزگاری به عنوان تجسم باروری انسانها پرستیده می‌شده است و با خدای حاصلخیزی سومری به نام تموز، یکسان شناخته شده است. بز، در اساطیر هندویی به عنوان یک حیوان ویژه قربانی و خدای آتش هندوان بوده است. در اساطیر یونانی، بز به عنوان حیوانی مقدس برای زئوس / ژوپیتر بوده است. در هنر عیسوی، بز نماینده لعنت شدگان در آخرین داوری (رستاخیز) است (آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۱۸۴-۱۸۵). قدیمی‌ترین تصویری که از بز تاکنون در جهان شناخته شده است، تصویری است که در دیواره‌های غارهای عصر پارینه سنگی جدید در اروپا بین سال‌های (۱۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ ق. م)، بصورت حکاکی، نقش برجسته و نقاشی ارائه شده است. این در حالی است که قدیمی‌ترین تصویری که از بز در ایران به دست آمده است مربوط به آغاز عصر نوسنگی جدید است که از اواخر این عصر، نقش این حیوان به صورت سمبولیک و غیر واقع‌گرایانه و انتزاعی در ابتدا بر روی سفال‌ها و سپس بر روی صخره‌ها مصور شده است. در ارتباط با

راحتی قابل شناسایی نیستند، اشاره کرد. نقوش اجرا شده در سایر مناطق استان خراسان جنوبی به شیوه کوبشی یا کنده‌نگاره، با وارد کردن ضربه‌های ممتد یا با ایجاد خراش بر روی سطح سنگ، حک شده است. نقش بزکوهی که بیشترین نقوش حیوانی را در بین سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی به خود اختصاص داده است به دو روش، استلیزه با طراحی بدن جانور به صورت یک خط افقی و نمایش اعضا بدن با خط‌های مورب و در طراحی برخی از نقوش از روش واقع‌گرایانه با نمایش جزئیات، استفاده شده است. نقوش بز در محوطه‌های اشاره شده دارای تنوع ساختار طراحی و شیوه حکاکی است. تاریخ تقریبی نقوش موجود در شش منطقه مورد پژوهش با رعایت احتیاط مربوط به عصر آهن تا عصر اشکانی، است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۷-۶۵). در ادامه مطالب اشاره شده، در تصویر ۱، نقشه پراکندگی سنگ‌نگاره‌های شناسایی شده در برخی از مناطق مختلف ایران، همچنین جدول مقایسه‌ای تصویر نقش بزکوهی در برخی از نقاط ایران نیز در جدول ۱ ارائه شده است.

نقش مفهومی بز

انسان هنرمند پیش از تاریخ عموماً سعی بر نقاشی، حاکی یا ساخت مجسمه‌های حیواناتی داشته است که این حیوانات، تأثیر بسزایی در امور زندگی روزمره و معیشت انسان داشته است. گاه بنا بر باورها و تفکرات قومی آن مردمان، این حیوانات دارای نیروی‌های خارق‌العاده‌ای بوده‌اند و از طریق رفتارهای غریزی شان قادر به درک حوادث طبیعی نیز هستند. این حیوانات، که در دوران باستان مورد احترام قرار می‌گرفته‌اند به طور معمول به عنوان توتم یا

ارتباط انسان با این حیوان سمبلیک را در مجسمه‌های فلزی با شکل بز برجا مانده از عصر مفرغ در لرستان (تصویر ۴)، عصر هخامنشی (بز بالدار طلایی، ریتون یا جام قدرت) و ظروف زیبای فلزی مربوط به عصر ساسانی و حتی در دوره‌های بعد مربوط به دوره اسلامی می‌توان مشاهده کرد که به زیبایی اهمیت و نقش بز را در زندگی انسان در دوره‌های مختلف نشان می‌دهند.

علاوه بر مطالب اشاره شده می‌توان به این مهم اشاره کرد که با توجه به مقاوم بودن بز در برابر عوامل جوی، مقاومت در مناطقی با پوشش گیاهی کم و مقاومت این حیوان در عبور از مناطق کوهستانی و سخت و نیز یکی از شکارهای بومی ایران (که تقریباً در اکثر نواحی وجود داشته و قادر به زندگی بوده است)، نقشی بسیار مهمی در امرار معاش زندگی انسان کوچ نشین بر عهده داشته است. همچنین شاخ بز در عصر باستان نمادی است از ماه، همچنان که در میان شاخ‌های بلند و دایره‌ای شکل این بز نماد ماه، زمین، آب، خورشید (نماد بز در داخل شاخ بز بر روی آبخوری بدست آمده از منطقه شوش متعلق به ۳۶۰۰-۴۰۰۰ ق.م) و چلیپای شکسته، به چشم می‌خورد. ماه از این جهت برای انسان باستان اهمیت دارد که بین ماه با آب، بارش باران و حیاط گیاهان و درختان در طبیعت ارتباط مستقیمی وجود داشته است. علاوه بر این شاخ بزرگ و منحنی بز نمادی است از الوهیت، پیروزی، قدرت، دست یابی به نیروی مافوق طبیعی، فراوانی گله، باروری، حاصلخیزی و زاد و ولد (همان: ۵۸-۵۷). با توجه به مطالب ارائه شده به درستی جایگاه و اهمیت این حیوان در زندگی بشر مشخص شده است و به همین دلیل است که نقش بزکوهی، بیشترین تصاویر حک شده در سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران را به خود اختصاص داده است و این خود به روشنی اهمیت بالای این حیوان را در زندگی انسان آن عصر بیان می‌کند. بزهای مصور شده به صورت سنگ‌نگاره، عموماً در حال نزاع، در حال شکار، در حال فرار، همراه انسان و با شاخ‌هایی گاه کوتاه که تا انتهای بدن بز نمی‌رسد و گاهی با شاخ‌هایی بلند و کشیده بر روی پشت حیوان و نیز بصورت بزهایی با شاخ‌های کاملاً دایره‌ای شکل و جفت شده که تا انتهای بدن حیوان می‌رسد، مصور شده‌اند. بیشتر بزها با بدنی در حالت نیم‌رخ اما با شاخ‌های دوتایی و در مورادی با شاخ تکی در حال جست و خیز و چرا با تکنیک "کنده نگاره"، حکاکی شده‌اند.

نکته قابل توجه در ارتباط با نقش بزهای موجود بر روی ظرف سفالی یا ظروف و مجسمه‌های مختلفی که به شکل بز ساخته و طراحی شده‌اند در مقایسه با بزهای حکاکی شده بر روی سنگ‌نگاره‌ها علاوه بر تکنیک متفاوت در اجرای این نقش، ساختار طراحی کمی رئالیستی تر و واقع‌گرایانه تر طراحی بزهاست؛ که سختی جنس سنگ و

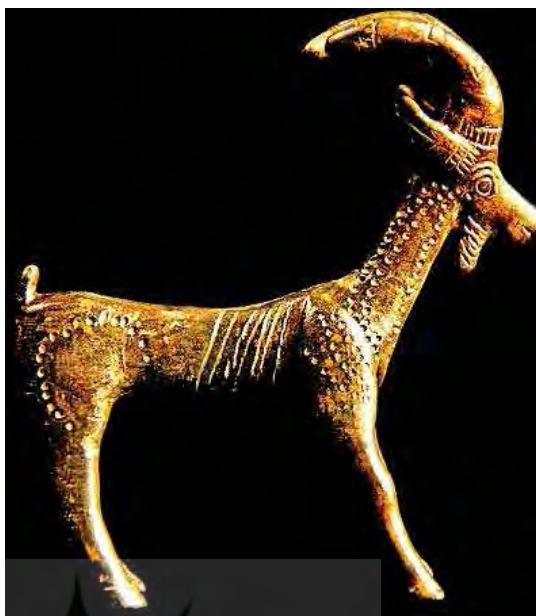


تصویر ۳. نقش بز و قوچ بر روی جام، سنگ صابون، تمدن جیرفت، موزه جیرفت. مأخذ: صفاران و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱.

اهمیت و نقش بز در اساطیر ایران می‌توان به این نکته اشاره کرد که بز نماد آب است، آب خود بیانگر آبادانی، زندگی و محل مناسبی برای استقرار بشر در مناطقی است که این مایه حیات به وفور در آن مسیر در جریان است. علاوه بر این، همچنان که در ظرف‌ها و مهرهای دوره ساسانی مشاهده می‌شود، بز نمادی است از ماه و در اغلب موارد به عنوان نگهبان درخت ماه از آن یاد شده است (قربانی و همکار، ۱۳۹۵: ۸۷). نقش بز، به عنوان نمادی سمبولیک در ارتباط با نیروی زندگی و باروری در سایر دوره‌های درخشان هنر ایرانی از دیر باز تا کنون بکار رفته است، اما در عصر هخامنشی این نقش سیر تکامل و تحول خود را از جهت ساختار طراحی و تنوع، به زیباترین شکل طی کرده است. نه تنها این نقش در دوران‌های پیش از تاریخ با مصور شدن بر روی صخره‌ها حکایت از نقش مهم این حیوان سمبولیک در زندگی بشر دارد، بلکه تکرار نقش بز را بر روی بسیاری از ظروف کاربردی سفالی کشف شده در منطقه شوش، سیلک و نیز برخی نقاط مختلف ایران می‌توان مشاهده کرد (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶؛ تصویر ۲). در تصاویر بزهای نقاشی‌شده روی ظروف سفالی و نیز در برخی از سنگ‌نگاره‌ها، گاهی نقوشی مانند نقش آب، ماه یا چلیپا داخل دایره شاخ‌های بز، طراحی شده است، مانند جام شوش.

علاوه بر وجود نقش بز بر روی ظروف سفالی، نقش این حیوان بر روی ظرف استوانه‌ای شکل، ظروف مخروطی به شکل تنگ و بر روی جام‌های ساخته شده از سنگ‌های صابونی مربوط به قدیمی‌ترین تمدن بشری، تمدن جیرفت نیز به زیبایی ترسیم شده‌اند، تصویر ۳ (صفاران و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱). نمونه‌های بسیار زیبای دیگری از

در زندگی انسان آن دوران داشته است، ترسیم شده است. وجود اقلیم مناسب و نزدیکی به سرچشمه‌های آب و سایر عوامل محیطی که نشان از مناسب بودن محوطه «شترسنگ» و مناطق اطراف سنگ‌نگاره‌ها برای زیستگاه بشر دارد، می‌تواند دلیلی تعیین‌کننده و مهم در توجیه جایگاه فرهنگی و تاریخی سنگ‌نگاره‌های منطقه مورد پژوهش، داشته باشد. دشت حاصل‌خیز توس، که بین دو رشته کوه بینالود و هزار مسجد واقع شده است به واسطه داشتن شرایط زیست محیطی مناسب در طول سالیان متمادی باعث جذب اقوام مختلف به سوی خود شده است و از دیرباز، بستر مناسبی را برای زیستگاه انسانی و نیز تداوم حیات انسان فراهم آورده است. دست‌افزارهای سنگی کشف‌شده در میانه دشت و کناره‌های کشف‌رود متعلق به دوران پارینه سنگی زیرین و غارهای باستانی، تعدد زیستگاه‌های مترکم مربوط به عصر پیش از تاریخ، دوران تاریخی، عصر اسلامی و نیز عصر حاضر گواهی است بر اهمیت وجود این منطقه به عنوان زیست‌گاهی مناسب برای زندگی بشر در روزگاران کهن (صالح نژاد، ۱۳۹۵).



تصویر ۴. مجسمه بز، مفرغ‌های تاریخی لرستان. مأخذ: <https://www.beytoote.com/art>

در هشت کیلومتری شمال غرب مشهد (تصویر ۵)، در ۸۰۰ متری مسیر جاده مشهد-شاندیز، نزدیک به روستای «درخت بید» موزه تاریخ طبیعی وجود دارد که حاوی سنگ‌نگاره‌های تاریخی متعددی است که به واسطه شکل سنگ‌های موجود در این منطقه که گویا شباهتی به کوهان شتر دارند بنام «شترسنگ» نامیده شده است. در این منطقه غیر از لاشه سنگ اصلی و بزرگی که رو به سمت شرق دارد (تصویر ۶ و ۷) و حجم بسیار زیادی از سنگ‌نگاره‌های محوطه را به صورت مترکم از دوران‌های مختلف تاریخی در خود جای داده است، سنگ‌های پراکنده دیگری در قسمت‌های جنوبی منطقه وجود دارند که حاوی نگاره‌هایی است سمبلیک از بزکوهی با طراحی بسیار ساده و خطوطی سیال با پراکندگی متنوع که به طور تخمینی شامل ۸۰ نقش انسان نما و جانورسانی است که

موقعیت قرار گیری صخره‌ها در مکان‌های خاص، یکی از دلایل طراحی‌های انتزاعی تر نقوش سنگ‌نگاره‌هاست.

موقعیت جغرافیایی سنگ‌نگاره‌های «شترسنگ» (درخت بید)

منطقه خراسان بزرگ و قسمت‌های مختلف دشت توس به جهت وسعت گسترده جغرافیایی دارای سنگ‌نگاره‌های متفاوتی در مناطق مختلفی است که نشانی است از دارا بودن شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناسب برای دامداری و زندگی کوچ‌نشینی انسان در گذشته‌های بسیار دور. اغلب این سنگ‌نگاره‌ها در مسیرهای کوهستانی و مسیر رودخانه‌های فصلی و منابع آبی دیگری مانند چشمه‌ها که نقش بسیار حیاتی



تصویر ۵. موقعیت جغرافیایی منطقه شترسنگ بر روی نقشه مشهد، رنگ آبی: مناطق طرقله و شاندیز، خط چین قرمز: مسیر جاده طرقله به شاندیز. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۷. نمای بسته از سنگ‌نگاره اصلی «شترسنگ»، مشهد، (شهریور ۱۳۹۸). مأخذ: نگارنده.

ابزارهای سنگی و دست‌کند و در دوران‌های بعد شاید هم از ابزارهای فلزی استفاده شده است. با ضربه زدن توسط این ابزار سنگی یا فلزی بسته به نوع و جنس سنگ موجود در منطقه، نقوشی به روش چکشی یا سایشی به صورت عمیق یا سطحی بر سطح سنگ‌ها ایجاد شده است که ضخامت این خطوط و نقوشها بین ۰/۵ تا ۲ سانتی‌متر و گاهی نیز بیشتر است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷). نقوش بر جای مانده بر تخته سنگ‌های منطقه «شترسنگ» در ابعاد و اندازه‌های مختلف که اکثر آنها بر روی سنگ‌هایی گرد حک شده‌اند، شباهت بسیاری دارند به بوم‌های سنگ‌نگاره‌های منطقه هرمزگان، جمهوری آذربایجان، ارسباران تبریز و اردبیل (نصرتی، ۱۳۹۳). نقوش سنگ‌نگاره‌های «شترسنگ» مانند سایر سنگ‌نگاره‌های مناطق دیگر نشان از گذر زمان و حکاکای نقوش در فواصل زمانی متفاوت دارند. همچنان که در تصاویر ارائه شده از منطقه مورد پژوهش مشاهده می‌شود، نقوش موجود در سطح سنگ‌ها به واسطه ساختار طراحی و حکاکای و نیز تغییرات رنگی ایجاد شده در سطح سنگ‌ها مانند هوازگی، اکسیدشدگی یا تغییرات رنگی که بر اساس وجود آهن (تصویر ۸ و ۹) در بخشی از سنگ‌های منطقه بوجود آمده است، میتواند به طور نسبی، تقدم، تأخر، کهنه و یا جدید بودن آنها را تا حد زیادی تشخیص داد. برخی از نقوش بسیار قدیمی هستند و بر اثر تخریب‌های ایجاد شده توسط عوامل جوی، به سختی قابل مشاهده و خوانش تصویری است و برخی نقوش جدیدتر و حتی مربوط به سال‌های اخیر است که این عمل توسط افراد غیر حرفه‌ای و غیر متعهد باعث تخریب و از بین رفتن نقوش قدیمی تر شده است. در حقیقت بخشی از نقوش‌های موجود به علت قدمت تاریخی و نیز تکنیک خراش و حکاکای و عوامل جوی، در قسمت‌هایی با سطح سنگ بستر خود، تقریباً هم‌رنگ شده است و نمی‌توان با عکاسی تصاویری با دقت بسیار بالا از آنها ثبت کرد (تصویر ۹). این تفاوت رنگی نقوش‌های حکاکای شده نشانی است از فاصله زمانی



تصویر ۶. لاشه سنگ اصلی منطقه «شترسنگ» در قسمت شرق محوطه که بیشترین نقوش سنگ‌نگاره‌های منطقه را در بر گرفته است، مشهد، (شهریور ۱۳۹۸). مأخذ: نگارنده.

گویا زندگی بشر آن دوران وابسته به حیات آنها بوده است (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۲۵).

ویژگی‌های نقوش «شترسنگ» (درخت بید)

بر اساس مطالعاتی که تاکنون بر روی نقوش صخره‌ای برخی از مناطق مختلف ایران انجام شده است، پژوهشگران بیان کرده‌اند که اغلب نقوش ایجاد شده بر سطح بدنه سنگ‌ها و صخره‌های مناطق باستانی با تکنیک ضربات چکشی به شیوه پیتروگلیف حک شده‌اند. گاه برای ایجاد این نقوش از



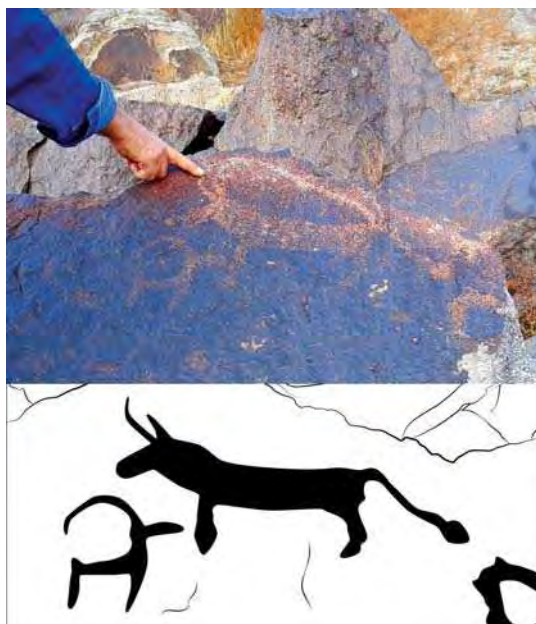
تصویر ۸. تصویر بزهای کوهی در حال دویدن با طراحی واقع‌گرایانه تر نسبت به طراحی اغلب بزهای سنگ‌نگاره‌های محوطه «شترسنگ». با نمایش چهار پا (دوپا در جلو و دو پا در قسمت عقب) در بالای سر تراشیده شده نشان از وجود آهن در سنگ‌های منطقه دارد. مأخذ: نگارنده.

جدول شماره ۲. سنگ‌نگاره‌های منطقه شترسنگ- مشهد، بر اساس نوع و ماهیت سنگ‌نگاره‌ها، با اقتباس از جدول ترسیم شده توسط بختیاری شهری (۱۳۸۸: ۲۵).

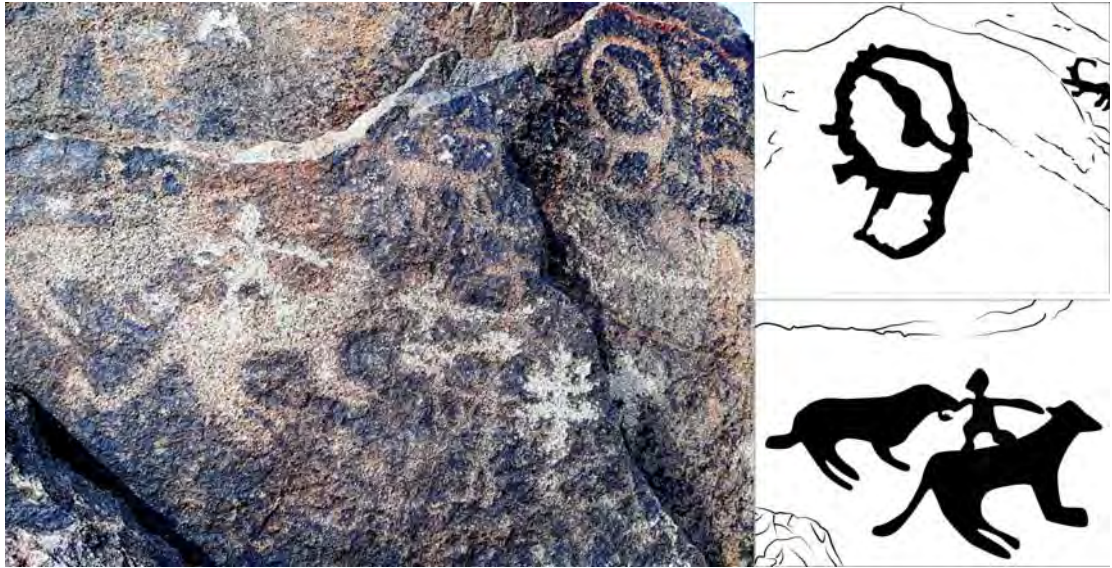
تعداد کل نقشه‌ها (به طور تخمینی)	نقوش گیاهی	علائم نمادین		حیوانی (حیوانات شاخص)							انسانی				نوع و ماهیت سنگ‌نگاره	نام سنگ‌نگاره
		مفرد	همراه نقش حیوانات (بزکرمی)	بوزینگ	گاومیش کوهاندار	گوزن	شتر	اسب	بزه	بزکرمی	بز	در حال جنگ و نزاع	در حال انجام مراسم خاص	در حال شکار		
۸۰	-	x	-	x	x	x	-	x	x	x	-	x	-	x	شترسنگ	

این منطقه در دوران‌های گذشته می‌دهد که بیانگر مناسب بودن این منطقه به عنوان مکانی پر رونق و شکارگاهی مناسب برای ساکنین این منطقه بوده است. اما بر اساس تغییرات اکولوژیکی، اقلیمی و خصوصاً دخل و تصرف‌های انسان معاصر در طبیعت پیرامون خود، باعث شده است تا گونه‌های جانوری و گیاهی که گویا در دوران‌های مختلف تاریخی در این منطقه وجود داشته‌اند و زندگی بشر وابسته به آنها بوده است؛ بشدت دچار تغییر شوند. همانطور که در تصویر شماره ۷ مشاهده می‌شود بیشترین نقوش سنگ‌نگاره‌های منطقه مورد پژوهش را نقوش جانورسان تشکیل داده‌اند و تا جایی که با چشم

بین نقوش ایجاد شده در طول دوران‌های متفاوت. در ارتباط با تاریخ دقیق نقوش سنگ‌نگاره‌های منطقه "شترسنگ" می‌توان گفت که به درستی مانند سنگ‌نگاره‌های سایر نقاط دیگر ایران و جهان نمی‌توان تاریخ قطعی آنها را تخمین زد، بلکه بصورت تقریبی بر اساس شواهد موجود و بررسی‌های دقیق باستانشناسی و قوم‌نگاری می‌توان تاریخ تقریبی این نقوش را بیان کرد. طبق نظر کارشناسان میراث فرهنگی، نقوش تصویری این منطقه دارای تاریخی ۱۱ هزار ساله است که به جهت حکاکی شدن در جهت رو به جنوب و شرق و کمتر قرار گرفتن در مسیر وزش باد و عوامل فرسایشی، کما بیش تا به امروز زنده مانده است (نصرتی، ۱۳۹۳). انسان متفکر و هنرمند عصر نوسنگی و با محاسبه، جهت یابی دقیق و مناسب به خوبی می‌دانسته است کدام سنگ‌ها با شیب مناسب، بهترین گزینه برای حکاکی و نیز قرار گرفتن در معرض دید مخاطبان است تا بتواند بهترین خوانش تصویری را به بیننده ارائه دهد. بیشترین حیوانی که در بین نقوش سنگ‌نگاره‌های منطقه مورد پژوهش مانند سایر مناطق ایران قابل مشاهده است نقش حیوان اهلی، بزکوهی است که طبق آنچه فرهادی (۱۳۷۷)، در مقاله خود بیان کرده است زمان اهلی شدن بزکوهی به حدود ۹۵۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد که بر طبق نقوش باقی مانده از این جانور در سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف می‌توان تاریخ تقریبی این سنگ‌نگاره‌ها را به آن دوران تخمین زد (۲۲۱). دومین نقشی که در بین نقوش سنگ‌نگاره‌های منطقه "شترسنگ" دارای بیشترین فراوانی است، نقش انسانی است، انسان کماندار در حال شکار، ایستاده، در حال جنگ و نزاع و انسانی سوار بر شیر. نقوش موجود در سنگ‌های این منطقه وجود چراگاهی وسیع و فراوانی گونه‌های حیوانات حک شده بر روی آنها را در گذشته‌های دور به ذهن مخاطب یادآور می‌شود. زیرا پوشش گیاهی و موقعیت جغرافیایی این منطقه در حال حاضر نیز نشان از ویژگی‌های طبیعی و تنوع جانوری



تصویر ۹. تصویر بزکوهی با ابعاد بسیار بزرگتر با بدنی کشیده نسبت به سایر بزهای محوطه «شترسنگ»، ترسیم خطی از پژوهشگر انجام شده است، مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۰. در قسمت بالا و سمت راست تصویر، نقش بزکوهی با شاخ کاملاً دایره که با خطی مورب دایره به دو قسمت تبدیل شده است، محوطه «شترسنگ»، مشهد (شهریور ۱۳۹۸)، ترسیم خطی توسط پژوهشگر انجام شده است. مأخذ: نگارنده.

اصلی و بزرگتر موجود در منطقه (تصویر ۶ و ۷)، تعداد محدودی از تصاویر حیواناتی عظیم الجثه مانند شیر و یوزپلنگ مشاهده می‌شوند که انسانی بر پشت آنها ایستاده است و در صحنه‌ای دیگر انسان ایستاده با کمانی در دست و در حال شکار، مشاهده می‌شود. این به این معنی است که انسان عصر نوسنگی در آن دوران از حیواناتی مانند اسب، شیر و یوزپلنگ برای کمک به شکار حیوانات دیگر استفاده می‌کرده است. نکته قابل توجه دیگر این است که نقوش حیوانات در این سنگ‌نگاره‌ها دارای تنوع ریخت‌شناسی است، اما یکی از نکات مهم دیگر اشاره به این موضوع است که اغلب حیوانات حک شده مانند بسیاری از صخره نگاره‌های مناطق دیگر به صورت نیم‌رخ و با خطی افقی با بدنی کشیده به دور از هر گونه تزئین با خطوطی بسیار ساده و کم عمق حکاکی شده‌اند. در مورد نقش انبوه بزها در سایر سنگ‌های موجود در منطقه، باید اشاره کرد که نقش این حیوان در مقایسه با جانوران خانواده گربه‌سانان، دارای تحرک کمتری است. تصاویر بزها، اغلب در حالت نیم‌رخ با شکل متفاوت شاخ از جهت شکل، اندازه و تعداد (دوتایی یا تکی)، گاه با انحنای بزرگ که داخل آن نقشی دیده می‌شود (تصویر ۱۰) و نیز بزهایی با شاخ‌هایی کوتاهتر یا با انحنای کمتری قابل مشاهده است که معمولاً فرم شاخ آنها به نیم‌دایره نمی‌رسد (تصویر ۱۱).

به احتمال قوی بر طبق شواهد موجود، افرادی که این نقوش را حکاکی کرده‌اند دارای زندگی با ساختار معیشتی بر اساس دامپروری و شرایط زندگی در محیط‌های کوهستانی، خصوصاً ساختار زندگی در مناطق مرتفع بوده‌اند. زیرا اغلب نقوش صخره‌ای در مناطق مختلف ایران و جهان در

غیر مسلح دیده می‌شود به ندرت می‌توان نقوش هندسی، انتزاعی و گیاهی را در صخره نگاره‌های این منطقه مشاهده کرد. در این میان تصاویر مختلفی چون بزکوهی، گاو میش، اسب، گوزن و حیواناتی از خانواده گربه سانان مانند یوزپلنگ، شیر و نیز نقوش انسانی‌هایی در حال شکار، جنگ و نزاع یا سوار بر پشت حیوانات، شناسایی شده است که در جدول شماره ۲، نقوش موجود در محوطه مورد پژوهش بر اساس نوع و ماهیت سنگ‌نگاره‌ها دسته بندی شده است. همانطور که اشاره شد، نقش بز کوهی با شاخ‌های منحنی کوتاه و بلند به سمت عقب، بیشترین نقش را در بین نقوش این مجموعه به خود اختصاص داده است. در بین نقوش برجامانده از قسمت‌های جلویی لاشه سنگ



تصویر ۱۱. تصویر بزکوهی با بدنی کشیده با دو شاخ کوتاه، و شاخ‌ها حالت سه‌رخ، محوطه «شترسنگ»، مشهد (شهریور ۱۳۹۸)، ترسیم تصاویر خطی توسط پژوهشگر انجام شده است. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۳. ایجاد نقوش انسانی سوار بر پشت یوزپلنگ به صورت ضربه‌های پی در پی برای ایجاد نقوش توپر، «محوطه شتر-سنگ» مشهد، (شهریور ۱۳۹۸). مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۲. تنها تصویر بزکوهی قابل مشاهده در لاشه سنگ اصلی کنده کاری موجود در منطقه «شترسنگ» که به صورت طراحی (خراش) با خطهای محیطی اجرا شده است، مشهد، (شهریور ۱۳۹۸). مأخذ: نگارنده.

«شترسنگ» به یکی از دو روش معمول ایجاد نقش بر سطح سنگ‌ها؛ شیوه طراحی تصویر به صورت خراش خطهای پیرامونی طرح (تصویر ۱۲) و دیگری مانند بسیاری از سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران با ایجاد ضربه‌های پی در پی و ممتد به شیوه کنده‌کاری روی سطح سنگ برای ایجاد نقوشی توپر و برداشتن تمامی سطح طرح مورد نظر که باعث برداشتن لایه نازکی از سطح سنگ شده است، ایجاد شده‌اند (تصویر ۱۳). عمقی بودن یا سطحی بودن نقوش مصور بسته به جنس سنگهای موجود در منطقه متفاوت است.

در مجموعه سنگ‌نگاره‌های سایت تاریخی «شترسنگ» که دارای پراکندگی نقوش بر روی سنگ‌های منطقه است، تصویر بزهای کوهی با تنوع متفاوتی از جهت طراحی شکل ظاهری، دارا بودن حرکت یا عدم حرکت بزها و نیز تنوع متفاوت در سایز بزهای ترسیم شده قابل مشاهده است. در چند مورد در میان نقوش بزهای حکاکی شده، بزهای کوچکتری به همراه مادرشان ترسیم شده است که یا در کنار و پشت سر و در مواردی در مقابل بز مادر که دارای ابعاد بزرگتری است مشاهده می‌شوند (تصویر ۱۴). در قسمت بالای سنگ نگاره اصلی موجود در منطقه، که حجم زیادی از نقوش جانورسان در آن ترسیم شده‌است، تنها یک بز نیم رخ متفاوت از سایر بزها، با دو پا و با شاخی کاملاً منحنی قابل مشاهده است که انحناي شاخ با پشت بدن بز یک دایره کامل را تشکیل داده است و این دایره با خطی مورب به دو نیم تقسیم شده است (قابل مشاهده در تصویر ۱۰). این تنها نقش بز موجود در منطقه است که از جهت فرم شاخ و اندازه با سایر بزها متفاوت است و در بالاترین قسمت لاشه سنگ اصلی و در نمایی مقابل بیننده

قسمت‌های مرتفع که دارای پوشش گیاهی مناسبی برای چرا و دام بوده است، به تصویر کشیده شده‌اند. شاید بتوان این فرضیه را مطرح کرد که هر چه پوشش جانوری منطقه غنی تر و متنوع تر باشد بدون شک بر شرایط زندگی، نوع تفکر، عقاید ساکنین منطقه و نوع اقلیم منطقه (همه این عوامل می‌تواند تأثیرات بسیار زیادی را بر چگونگی ترسیم و حکاکی نقوش نه تنها در ذهن انسان‌های امروزی، بلکه بر ذهن نیاکان و انسانهای پیش از تاریخ نیز داشته باشد)، تأثیرگذار بوده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۰). بر طبق ساختار طراحی و حکاکی نقوش صخره‌ای به راحتی می‌توان دریافت که تصویرگر سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ، هنرمندی طبیعت نگار نبوده است و به تقلید از ساختار بیرونی و قابل مشاهده اشیاء و موجودات پیرامونش گرایشی نداشته است. او تنها برای انتقال مفاهیم خاص به هم‌نوعان به نمایش چند ویژگی عمده و قابل اهمیت از حیوانات و گیاهانی که در محیط پیرامون زندگی اش وجود داشته‌اند و مشاهده می‌کرده است برای تداوم حیات انسان آن عصر، اکتفا کرده است. به عنوان مثال قدرت جسمانی شیر را تنها با تأکید بر ویژگی‌هایی چون ساختار پنجه‌های پر قدرت او، بدنی با کشیدگی خاص و نیرومند در حال حرکت، دم بلند با انتهایی به شکل منحنی و دهانی باز به تصویر کشیده است. از این طریق، پدیده‌های واقعی بر حسب ذهنیت تصویرگر به نشانه‌های رمزی قابل خوانش برای انسان آن عصر که هنوز خط را نمی‌دانسته است تا زندگی او را متحول کند، تبدیل شده‌اند (آیتی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۳؛ پاکباز، ۱۳۷۵: ۱۵).

شیوه اجرایی سنگ‌نگاره‌ها

به صراحت می‌توان گفت نقوش تمام سنگ‌نگاره‌های منطقه



تصویر ۱۴. تمرکز بر نقش احتمالاً بز مادر به همراه فرزند، محوطه «شترسنگ» مشهد، (شهریور ۱۳۹۸)، ترسیم خطی توسط پژوهشگر انجام شده است. مأخذ: نگارنده.

طراحی الگوی مرسوم است که در اغلب سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران قابل مشاهده است. نکته قابل توجه این است که اغلب بزها به صورت نیم رخ با نمایش دو پای جلو و عقب به صورت ثابت و با کمترین حرکت حک شده است. در این میان بزهایی با بدن کشیده با رنگی روشنتر نسبت به بزهایی با قدمت بیشتر که حاکی از زمان متفاوت ترسیم بزهاست، با زاویه نیم رخ قابل مشاهده است که بر خلاف اغلب بزها با سه و چهار پا ترسیم شده‌اند (مانند بز در تصویر ۸ و ۱۱). این بزها دارای حرکت بسیار کمی هستند و بصورت ایستا مصور شده‌اند. در این میان بزهایی با رنگی حاکی از زنگ زدگی که نشان از وجود آهن در سنگ‌های سایت مورد پژوهش است با بدنی منحنی در حال خیز برداشتن یا جهیدن با چهار پا (دوپا در عقب بدن و دو پا در جلو بدن)، به شیوه واقع‌گرایانه تر ترسیم شده است. هنرمند، در برخی از طراحی‌ها، بزها را با توجه به اینکه از نیم رخ طراحی شده‌اند با یک شاخ و در اغلب بر خلاف زاویه نیم رخ بدن، شاخ بز به صورت جفت یا نمایی نزدیک به سه رخ ترسیم شده است. اغلب بزها برخلاف آناتومی واقعی بز با بدنی کشیده تر ترسیم شده است.

خودنمایی می‌کند. در طراحی نقوش اغلب بزها مانند سایر نقوش موجود در سایت، اشاره به هیچ گونه جزئیات آناتومی جانور نشده است، تنها طراحی تعداد محدودی از بزها دارای آناتومی حرفه‌ای‌تری با متمایل به حالت‌های رئالیستی است. در ارتباط با ساختار طراحی نقوش بزکوهی در سنگ‌نگاره‌های منطقه «شترسنگ» می‌توان به این نکته اشاره کرد که نقوش، به شیوه خلاصه سازی و استلیزه ترسیم شده‌اند. با توجه به اینکه نقوش بزکوهی در این منطقه در دوره‌های مختلف و نیز توسط افراد متفاوت حک شده‌اند، ساختار طراحی متفاوتی از نقش بز در منطقه بر روی سنگ‌ها قابل مشاهده است. برخی از بزها بصورت خطی و ساده بدین صورت که بدن جانور از یک خط افقی تقریباً صاف تشکیل شده است و برای حرکت پاها از خطوط مورب و گاه عمودی و در مواردی برای طراحی فرم شاخ‌ها نیز از خطوط مورب استفاده شده است. در اغلب موارد شاخ و دم بز با فرم منحنی ترسیم شده است. در طراحی برخی از بزها، نیم دایره شاخ با انحنای کم و کوتاه و برخی با نیم دایره بلندتر که به سمت داخل انحنا پیدا کرده است، ترسیم شده‌اند این روش

جدول شماره ۳. ساختار طراحی، اجرای نقوش و سایر ویژگی‌های نقش بز در منطقه «شترسنگ» مشهد، خراسان رضوی، مأخذ: نگارنده.

تنوع نقوش		شیوه اجرا			ساختار طراحی				
تتوع در اندازه و فرم	دارای شاخ	دارای حرکت	عدم حرکت	کنده کاری با عمق نسبتاً بیشتر	کوبه ای با عمق کم	پتروگلیف	خامدستانه(عامیانه) / عدم توجه به جزئیات	واقع گرایانه	خلاصه و استلیزه
x	x	x	x	x	x	x	x	x	x

مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقوش بز در سنگ‌نگاره‌های منطقه «شترسنگ» خراسان رضوی با نقوش مشابه در فلات ایران/ ۱۰۷-۸۹

جدول شماره ۴: شباهت‌ها و تفاوت‌های اجرای نقش بز کوهی و سایر ویژگی‌های آن در منطقه شتر سنگ، مشهد، خراسان رضوی با نقش بزکوهی در برخی از نقاط ایران، نگارنده.

مطالعه تطبیقی نقوش بز در سنگ‌نگاره‌های منطقه شتر سنگ، مشهد، خراسان رضوی با برخی نقاط ایران.					
ساختار طراحی	محوطه (سایت)	شهر - استان	شیوه اجرا - نوع نقش	قدمت	
با توجه به ریخت شناسی نگاره‌ها و اسناد ومدارک موجود در ارتباط با نقش بز تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش از تاریخ ایران، میتوان به این نکته اشاره کرد که نقش بزکوهی در محوطه «شتر سنگ» نیز اغلب به صورت استیلیزه و خلاصه شده، طراحی شده است. همچنین، بزهای حک شده در محوطه «شتر سنگ» مانند اغلب سایر نقاط ایران؛ به صورت نیمرخ یا تک شاخ و یا دوشاخ، طراحی شده اند. بزهای نیم رخ اغلب با دو پا طراحی شده اند. در مواردی نیز بزهایی با سه و چهار پا نیز طراحی شده است.	شترسنگ	مشهد-خراسان رضوی	پتروگلیف (نقشکنده)	پارینه سنگی	
	بین بزهای مناطق مختلف ایران، به جهت ریخت شناسی یا فرم و نیز محتوی و معنا شباهت‌های یکسانی وجود دارد.	لاخ مزار	بیرجند- خراسان جنوبی	پتروگلیف (نقشکنده)	می‌توان زمان و گاه‌نگاری نسبی و تقریبی حکاکی و ترسیم سنگ نگاره‌ها در مناطق مختلف ایران را از عصر پارینه سنگی تا عصر معاصر نسبت داد.
		جربت	جاجرم- خراسان شمالی	پتروگلیف (نقشکنده)	
		غارکرفتو	کردستان	پتروگلیف (نقشکنده)	
		منطقه تاریخی تیمره	اصفهان و مرکزی	پتروگلیف (نقشکنده)	
		سیرجانو شهر بابک	کرمان	پتروگلیف (نقشکنده)	
		اشکفت آهویی شهر بستک	هرمزگان	پتروگلیف (نقشکنده)	
		قلعه ارجق - (شهریری)	مشکین شهر - اردبیل	پتروگلیف (نقشکنده)	
	جز در موارد اندکی ساختار طراحی متفاوت تری بین نقوش سنگ نگاره‌های مناطق مختلف ایران مانند سنگ نگاره‌های دره گوران در منطقه ناهوک سراوان وجود دارد. در این منطقه بر خلاف اغلب مناطق دیگر ایران نقوش طراحی و حکاکی شده ای وجود دارد که دارای بدن‌های پهن و با طول بدن کوتاه‌تر، در مواردی بزهایی با بدنی پروانه ای شکل (متشکل از دو مثلث) با شاخ‌هایی بسیار بلند با شیب کم و نیز با گردن بلند مشاهده می‌شود. در برخی از قسمت‌ها، بزهایی ترسیم شده است بدون تحرک و ایستا با بدنی نیم رخو سر و شاخ‌هایی از زاویه روبرو که طراحی مشابه چنین بزی در برخی از مناطق ایران مانند داغستان در خراسان رضوی مشاهده می‌شود. ولی بز با سر از زاویه روبرو و بدن نیمرخ در بین نقوش بزهای منطقه «شتر سنگ» قابل مشاهده نیست. نقوش سنگ نگاره‌های دره نگاران دارای طراحی بسیار رئالیستی و حرفه ای تری است نسبت به سایر سنگ‌نگاره‌های ایران.	میرملاس، همیان و غاردوشه	لرستان	پیتروگراف (نقاشی) پتروگلیف (نقشکنده)	میرملاس، همیان و غاردوشه
		گزو	خاش-سیستان و بلوچستان	(نقاشی) پیترو گراف پتروگلیف (نقش کنده)	
دره نگاران		دهستان ناهوک، سراوان- سیستان و بلوچستان	(نقاشی) پیترو گراف پتروگلیف (نقش کنده)		
اشکفت آهویی و ده تل بستک		هرمزگان	(نقاشی) پیترو گراف پتروگلیف (نقش کنده)		

جدول شماره ۳، ویژگی‌های نقوش محوطه «شترسنگ» به صورت خلاصه مشخص شده است.

میزان ماندگاری و کیفیت نقش‌های باقی‌مانده جنس سنگ‌های موجود در منطقه، عوامل محیطی و جغرافیایی که باعث ایجاد تغییرات فرسایشی در سطح نقوش بر جای مانده شده است، وجود تصاویری با رنگ‌ها و نیز شیوه طراحی متفاوت و عمق نقوش حکاکی شده، وجود

نقوش متفاوت در سنگ نگاره‌ها که بر طبق اسناد تاریخی می‌تواند نحوه ساختار زندگی انسان آن عصر را نشان دهد، از جمله عوامل مهمی هستند که می‌توانند پژوهشگران را به شناخت تاریخ دقیقتر تصاویر حک شده هدایت کنند. همانطور که در تصاویر ارائه شده در این پژوهش مشاهده می‌شود، رنگ نقوش حکاکی شده و نیز عمق خراش‌ها حتی در مواردی که برخی نقوش در دوره‌های زمانی متفاوتی بر روی سطح تخته سنگ‌های مورد نظر ایجاد شده‌اند نشان

جدول شماره ۳، ویژگی‌های نقوش محوطه «شترسنگ» به صورت خلاصه مشخص شده است.

میزان ماندگاری و کیفیت نقش‌های باقی‌مانده جنس سنگ‌های موجود در منطقه، عوامل محیطی و جغرافیایی که باعث ایجاد تغییرات فرسایشی در سطح نقوش بر جای مانده شده است، وجود تصاویری با رنگ‌ها و نیز شیوه طراحی متفاوت و عمق نقوش حکاکی شده، وجود

موضوعات مصور در این سنگ‌نگاره‌ها، دارد. با بررسی و مطالعه ریخت‌شناسی نقوش اشاره شده می‌توان به برخی از مفاهیم انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی مبتنی بر زندگی با ساختار کوچ‌نشینی و دامداری انسان عصر نوسنگی، بر اساس مستندات موجود اشاره کرد. ساختار طراحی تقریباً یکسان نقوش سنگ‌نگاره‌ها، پراکندگی نگاره‌ها با ساختاری یکسان در مناطق مختلف ایران، زبان مشترک صخره‌نگاره‌ها یا سنگ‌نگاره‌ها بیانگر نیازها، اندیشه‌ها و اعتقادات فرهنگی زندگی مردمان آن دوران است. در ترسیم نقوشی مانند نقش بزکوهی که با توجه به جایگاه و اهمیت و نقش این حیوان در زندگی و باورهای بشر، دارای بیشترین فراوانی در بین سایر نقوش تصویر شده در سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف است، هنرمندان نگارگر از خطوطی ساده، آزاد و رها، به شیوه‌ای ابتدایی، سمبولیک و انتزاعی، غالباً با تکنیک پتروگلیف، استفاده کرده‌اند. نقش بز، برای انسان آن روزگار مانند آنچه در فرهنگ‌های مختلف دنیا مشاهده می‌شود، نماد باروری، زندگی، آب، فراوانی، نشان از وابستگی حیات و تداوم زندگی انسان آن روزگاران به شکار این حیوان و زندگی مبتنی بر دامپروری است.

از تأثیر گذشت زمان بر کیفیت و چگونگی تصاویر بر جای مانده دارند. در برخی از سنگ‌نگاره‌ها به علت گذشت زمان و تأثیرات عوامل فرسایشی و نیز به علت عمق بسیار کم خراش‌های ایجاد شده، نقوش بسیار سخت دارای خوانش است و تنها با خیس کردن سطح سنگ، یا قرار گرفتن در زاویه دید خاص یا تابش نور در زاویه‌ای ویژه قابل مشاهده است. علاوه بر موارد اشاره شده، به علت محدود بودن سطح تخته سنگی که تصاویر بر روی آنها حکاکی شده‌اند و مصور شدن نقوش متفاوت در طول دوره‌های مختلف، انباشتگی از نقوش مختلف مانند تصاویر بزهایی با ساختار طراحی متفاوت، ایجاد شده است؛ که این قرارگیری نقوش بر روی یکدیگر یا نزدیک شدن زیاد نقوش به یکدیگر باعث شده است که موضوع اصلی مورد تمرکز هنرمند به درستی قابل خوانش نباشد (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۲۹؛ تصویر ۶). جدول شماره ۴، شباهت‌ها و تفاوت‌های اجرای نقش بز و سایر ویژگی‌های این جانور را در منطقه «شترسنگ» با نقش بز در برخی از نقاط ایران ارائه شده است. بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های یافت شده در منطقه «شترسنگ» با تمرکز بر نقش بزکوهی در مقایسه با نمونه‌های قابل مشاهده در برخی از مناطق مختلف ایران، نشان از یکسان بودن مفاهیم و

نتیجه

در نقوش برجامانده از منطقه «شترسنگ» بر خلاف سایر مناطق ایران که حاوی نقوش گیاهی، نقش سایر جانوران مانند خارپشت، خرگوش، گوره خر و نیز نقوش انتزاعی و سمبولیک و نقوش فنجانی است، بیشتر نقوش حک شده بر سطح تخته سنگ‌ها متمرکز شده است بر نقش بزکوهی؛ نقوش انسانی در بین سایر نقوش حیوانی موجود در منطقه در درجه دوم اهمیت قرار دارند. سنگ‌نگاره‌های منطقه «شترسنگ» مانند نقوش سایر سنگ‌نگاره‌های اغلب محوطه‌های ایران، با خطوطی بسیار ساده و خلاصه شده، بدون هیچ گونه تزئینات به صورت دو بعدی و به شیوه «کنده نگاره» با خطوطی با عمق کم ترسیم و حک شده است. همچنین، بزهای حک شده در محوطه مورد پژوهش مانند اغلب نقاط ایران، در حالت نیم‌رخ در اشکال مختلف و با شاخ‌های منحنی برگشته به عقب گاه با نیم دایره‌ای بلند و گاه کوتاه که معمولاً به شکل نیم دایره نمی‌رسد، با دو پا طراحی شده‌اند. در مواردی نیز بزهایی با سه و چهار پا نیز ترسیم شده است. بزکوهی در سطح هیچ یک از سنگ‌های پراکنده در محوطه با زاویه روبرو طراحی نشده‌اند و بزها در حال حرکت، بازی و نزاع با تحرک کمتری طراحی شده‌اند. بین بزهای مناطق مختلف ایران، به جهت ریخت‌شناسی یا فرم و نیز محتوی و معنا شباهت‌های یکسانی وجود دارد. انسان‌های هنرمندی که این نقوش را حک کرده‌اند طراحان حرفه‌ای نبوده‌اند آنها این نقوش را برای نشان دادن تنوع و ساختار زندگی انسان و جانوران عصر نوسنگی که عموماً در مناطق مرتفع و کوهستانی و پر آب و علف زندگی می‌کرده‌اند و شاید هم برای مشخص کردن قلمروی چوپانی خود ترسیم کرده‌اند. در ارتباط با تنوع نقوش حیوانی موجود در منطقه «شترسنگ»، می‌توان گفت که تنوع پوشش جانوری موجود در منطقه بدون شک بر نوع اقلیم، شکار، شرایط زندگی و عقاید آن مردمان و حتی بر نحوه نگرش مردمان دوران پیش از تاریخ نسبت به زندگی، تأثیرگذار بوده است. طبق آنچه در تصاویر جدول شماره ۱، قابل مشاهده است

ساختار و شیوه طراحی خطی، تکنیک حکاکی شده، عمق نقوش حک شده، زاویه قرار گیری بزها، ابعاد و اندازه در اغلب مناطق ایران دارای تنوع شکلی یکنواخت و یکسانی است. این خود دلیلی است بر ساختار ذهنی مشابه انسان‌ها در دوره‌های زمانی هم عصر، باورها و نیازهای یکسان مردمانی که در آن دوران با نیازهای اجتماعی و فرهنگی تقریباً یکسانی، زندگی می‌کرده‌اند. البته در برخی از مناطق ایران مانند مناطق دره نگاران، اشکفت آهویی و ده تل بستک، گزو، میر ملاس، همیان و غار دوشه، علاوه بر نقوش به شیوه پترگلیف، نقوشی به شیوه پیتروگراف نیز ترسیم شده است.

جز در موارد اندکی ساختار طراحی متفاوت تری بین نقوش سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران مانند سنگ‌نگاره‌های دره گوران در منطقه ناهوک سراوان وجود دارد. در این منطقه بر خلاف اغلب مناطق دیگر ایران نقوش حیوانی از جمله بزکوهی، دارای بدنی پهن و با طول بدن کوتاه تر فاقد کشیدگی و در مواردی بزهایی با بدنی پروانه‌ای شکل (متشکل از دو مثلث) با شاخ‌هایی بسیار بلند با شیب کم یا با گردن بلند مشاهده می‌شود. در برخی از قسمت‌ها ی این منطقه بزهایی ترسیم شده است بدون تحرک و ایستا با بدنی نیم رخ و سر و شاخ‌هایی از زاویه روبرو که طراحی مشابه چنین بزی در برخی از مناطق ایران مانند داغستان در خراسان رضوی مشاهده می‌شود. ولی بز با سر از زاویه روبرو و بدن نیم‌رخ در بین نقوش بزهای منطقه شترسنگ قابل مشاهده نیست. باستانشناسان با گاه‌نگاری نسبی و تقریبی حکاکی و ترسیم سنگ‌نگاره‌ها در منطقه «شترسنگ» را مربوطه به عصر پارینه سنگی نسبت داده‌اند. در حالت کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد که تاریخ نسبی قدمت سنگ‌نگاره‌ها در سایر مناطق مختلف ایران را می‌توان به عصر پارینه سنگی تا عصر معاصر نسبت داد.

منابع و مأخذ

آقاباسی، زهرا، (۱۳۸۹). نقش مایه‌های نویافته حوزه هلیل رود، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، چاپ اول. آیتی زاده، آنیسا. (۱۳۹۳). بررسی سنگ‌نگاره‌های باستانی اسبخته یزد، مجله علمی ترویجی جلوه هنر، شماره ۳۹، ۷۹-۹۲.

افضل طوسی، عفت السادات. (۱۳۹۱). گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، (۷)، ۷(۲۱)، ۵۴-۶۷.

بختیاری شهری، محمود. (۱۳۸۸). بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس، مطالعات باستانشناسی، شماره ۱، ۲۱-۴۴.

بزی، کلثوم؛ حاتم، غلامعلی. (۱۳۹۲). اسطوره کاوی نقوش سنگ‌نگاره‌های ناهوک سراوان و بررسی حضور آنها در زندگی انسان امروز منطقه، فصلنامه علمی و پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه، (۱۷)، ۷(۱۷)، ۷-۱۵.

بلباسی، احمد. (دوم اردیبهشت ۱۳۹۸). سنگ‌نگاره‌های ماقبل تاریخ، دره نگاران - سراوان، تاریخ دسترسی ۲۲ فروردین ۱۳۹۹، <https://www.iribnews.ir/fa/news/2415059>

بیک محمدی، خلیل الله؛ جانجان، محسن؛ بیک محمدی، نسرین. (۱۳۹۱). معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر - همدان)، نامه باستانشناسی، (۲)، ۲(۲)، ۲۱۱-۱۴۰. پاکباز، رویین. (۱۳۷۹). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، زرین و سیمین، تهران.

رشیدی نژاد، مسعود؛ زمانیان، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی سنگ‌نگاره‌های نویافته مزرعه حاج مد و دره مراد بیک همدان، پیام باستان شناس، (۱۱)، ۶(۱۱)، ۸۹-۹۶.

رضایی، جمال؛ کیا، صادق. (۱۳۳۰). گزارش نوشته‌ها و پیکرهای کال جنگال، انجمن ایرانویج، تهران. صالح نژاد، زهرا. (۱۳۹۵). کمرمقبولا؛ اولین پارک سنگ‌نگاره‌های ایران در طرقله، تاریخ مراجعه:



۱۳۹۸/۳/۲۸، قابل دسترس در www.kojaro.com.

صفاران، الیاس؛ کامرانی نژاد سیرجانی، مریم. (۱۳۹۷). تقابل (نقش بز کوهی و درخت) بر روی تپه فیروز شاه سیرجان با ظروف سنگ صابونی تمدن چیرفت، دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، (۴)، ۱۲، ۱۳-۲۴.

فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۷). موزه‌هایی در باد: معرفی مجموعه عظیم سنگ‌نگاره‌های نو یا فته «تیمره»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره هفتم و هشتم، ۱۳-۶۱. قربانی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). «گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی نقوش صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی)»، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی، منتشرنشده.

قربانی، حمیدرضا؛ صادقی، سارا. (۱۳۹۵). سنگ‌نگاره‌های شرق مرکزی ایران؛ سندها، صخره نوشته‌ها و نمادشناسی سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی، نشر چهار درخت، بیرجند.

قربانی، حمیدرضا؛ صادقی، سارا؛ هاشمی زرج آباد، حسن. (۱۳۹۴). تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های محدوده تاریخی خراسان بزرگ در استان خراسان جنوبی، فصلنامه علمی پژوهشی خراسان بزرگ، (۲۱)، ۶، ۵۷-۸۲. قسیم، طاهر؛ محمدی قصریان، سیروان. (۱۳۹۰). نقوش صخره‌ای ایران، مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران (جلد دوم)، به کوشش یوسف حسن زاده و سیما میری، تهران، سازمان میراث فرهنگی و صنایع گردشگری، موزه ملی ایران.

مردانی ولدانی، آیین. (۱۳۹۲). بررسی سبک‌شناسی سنگ‌نگاره‌های جربت در خراسان شمالی، همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دستاوردها، فرصت‌ها و آسیب‌ها، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند، صص ۸۲-۵۷. ملاصالحی، حکمت‌اله؛ سعیدپور، محمد؛ مؤمنی، آتوسا؛ بهرام زاده، محمد. (۱۳۸۶). باستان‌شناسی صخره‌نگاره‌های جنوب کوهستان استان قزوین، مجله باستان‌پژوهی، (۳)، ۲، ۳۵-۴۹.

ناصری فرد، محمد. (۱۳۸۸). سنگ‌نگاره‌های ایران نمادهای اندیشه نگار، ناصری فرد، خمین.

نصرتی، محمد. (۱۳۹۳). شترسنگ «یادگاری از اعماق تاریخ خراسان / سنگ‌نگاره‌ای که نقوش اسرار آمیز دارد»، خبرگزاری مهر، تاریخ مراجعه: ۱۳۸۹/۸/۱۵، قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



of South Khorasan province, Unpublished.

Ghorbani, H. , Sadeghi, S. & Hashemi Zarjabad, H. (2015). An Analysis of Motifs in Rock-Carvings of the Greater Khorasan in South Khorasan Province, Journal of Greater Khorasan, 6 (21), 57-82.

Mardani Valandani, A. (2013). An Exploration on the Stylistics of Jorbat Petroglyphs in North Khorasan, National Conference of Iranian Archeology, Achievements, Opportunities and Injuries, Art Faculty, University of Birjand, 57-82.

Mola salehi, H. ; Saeedpor, M. ; Momeni, A. & Bahramzadeh, M. (2007). Archeology of Petroglyph in the South of Ghazvin Province, Jornal of Bastan Pazhuhi, 2 (2), 49-35.

Naseri Fard, M. (2009). Petroglyphs of Iran: Idiographic Signs, Naseri Fard, Khomein.

Nosrati, M. (2014). Shotorsang: A Remembrance from the Depth of Khorasan's History/ A Petroglyph with Mysterious Motifs, Mehr News agency, Access Date: Dec 6, 2019, <https://mehrnews.com>.

Pakbaz, R. (2019). Iranian Miniature Since Old Times, Zarrin and Simin, Tehran.

Rashidi Nezhad, M. & Zamanian, M. (2009). Survey and Study of Newly Found Petroglyphs of Haj Mad Farm and Morad Beik Valley in Hamedan, Payam-e Bastanshenas, 6 (11), 89-96.

Rezaei, J. & Kia, S. (1951). A Report on Inscriptions and Figures of Kal-e Jangal, Iranvij Society, Tehran.

Sadeghi, S., Ghorbani, H. R. & Hashemi Zarjabad, H. (2013). Motifs Investigation of Birjand Khazan Petroglyph from South Khorasan/IRAN, Bi- Annual Journal of Restoration Science and Culture Heritage, 6 (21), 82-57.

Saffarian, E. & Kamraninejad Sirjani, M. (2018). The Contrast of Wild Goat and Tree Motifs Between Firooz Shah Hill in Sirjan and Soapstone Dishes of Jiroft Civilization, Scientific Journal of Art and Humanity Research, 4 (12), 13-24.

Salehnejad, Zahra (2016). Kamar Maghboula: The First Site of Iranian petroglyphs in Torghabeh, Access Date: Jun 18, 2019, Available in: <https://www.kojaro.com>.

<https://www.beytoote.com/art/>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The present research is conducted using analytic-descriptive research method. The data collection is done through library research and field study. While conducting field study, after identifying “Shotorsang” area in the last week of August 2019, as a survey, regarding the dispersion of the motifs on the rocks of the identified area, the researcher took many photographs from these motifs as series or as single shots. Approximately, around 80 petroglyphs are found in the “Shotorsang” area. The statistical society of the present study is composed of goat motifs in studied area and the dispersion of this motif in other regions in Iran, including Asbaghteh in Yazd, Jorbat petroglyphs in Khorasan Razavi, Darreh Negran in Saravan, Tappeh Shah Firoozjan in Kerman province, petroglyphs in Khorasan Jonobi, Asu petroglyphs and also motifs in Erges Sofla in Zand district of Malayer. Regarding the morphology of petroglyphs, existing documents and evidences in relation to the motif of goat, nearly in all Iranian prehistoric cultural centers, it could be mentioned that wild goat motifs in “Shotorsang” area are often drawn in a stylized form with no decorative element using horizontal lines for top body and a few oblique lines for legs. Furthermore, the goats in studied area, similar to motifs of petroglyphs in other regions in Iran, are drawn in side view with one or two horns with short or very tall curves, which does not fit analogously to the animal body. Side view goats are often drawn with two legs, but in some cases goats with three or four legs have been recognized as well. Morphologically and conceptually, there are high degrees of similarities among goat motifs in different regions of Iran, majority of which are carved using petroglyph style. Archeologists, using approximate and relative chronology, have attributed the carving and formation of petroglyphs of “Shotorsang” to Paleolithic period.

Keywords: Shotorsang, Petroglyph, Animal Motif, Goat Motif, Khorasan, Iranian Plateau

Reference:

- Afzaltousi, E. (2012). Rug the preserver of wild goat figure since the ancient times, *Nagareh Journal*, 7(21), 55-67.
- Agha Abbasi, Z. (2010). *New-found Motifs in Halilrood Basin Area*, Shahid Bahonar University Press, Kerman.
- Ayatizadeh, A. (2015). Studying petroglyphs of Asbaqth of Yazd, *Glory of Art*, 6 (2), 81-95.
- Bakhtiari Shahri, M. (2009). Survey and study of newly found epigraphs from Toos plain, *Journal of archeological studies*, 1(1), 21-44.
- Beikmohammadi, K. , Janjan, M. & Beikmohammadi, N. (2012). Introduction and Analysis of New Found Petrography Motif of B Set of Sofla Arges (Malayer-Hamedan), *Journal of Faculty of Art and Architecture, Department of Archeology*, 2 (2), 121-140.
- Belbasi, A. (2009). Prehistorical Petroglyphs: Nagaran Valley- Saravan, Access Date: April 10, 2020, www.iribnews.ir/fa/news/2415059.
- Bezi, K. & Hatam, G. (2013). Myth mining from petroglyphs in Nahook of Saravan and exploring their presence in human life today, *Naghshmayeh Journal*, 7(17), 7-15.
- Farhadi, Morteza (1999). *Museums in Wind: Introducing the Vast New-Found Rock Engravings of Teimareh*, *Social Sciences*, No. 7, 8, 13-61.
- Ghasimi, T. & Mohammadi Ghasrian, S. (2011). *Iranian Rock Art, A research Collection of 80years of Archeology in Iran, (Vol. 2), Through the Efforts of Yousef Hassanzadeh and Sima Miri*, Tehran, Cultural Heritage and Tourism Organization, Iranian National Museum.
- Ghorbani, H. & Sadeghi, S. (2017). *Petroglyphs in Mid-east Iran: Documents, Inscriptions, and Semiology of Petroglyphs of South Khorasan Province*, Chahar Derakht, Birjand.
- Ghorbani, H. (2013). *A Report on Archeological and Anthropological Studies about Rock Motifs: South Khorasan Petroglyphs*, Archive of Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism Organization

An Analytic Comparative Study on Goat Motifs in Petroglyphs in “Shotorsang” Area in Khorasan Razavi and Similar Motifs in Other Regions in Iranian Plateau

Farzaneh Najafi, Assistant Professor of Visual Communication, Faculty of Engineering, Golestan University, Gorgan, Iran.

Received: 2020/3/8 Accepted: 2020/7/26



In Iran petroglyphs are widely dispersed and have superficial and conceptual similarities with other cases found throughout the world. The motifs depicted in the petroglyphs, which are categorized among the artworks that have remained from Paleolithic to the contemporary era, are in fact the result of the lives of humans and societies prior to the invention of the alphabet. Following the invention of the alphabet and writing, this type of imagery lost its prominent presence in human life. The investigation and study of these pieces would help identifying and knowing the cultural context of the people living in that areas, as well as recognizing the geographical and cultural conditions and their way of life. The rock motifs of “Shotorsang” region are one of thousands of petroglyphs found in greater Khorasan and indicate the herdsman and hunting-based lifestyle of humans during the Neolithic. The motifs remaining on these rocks, as other rock motifs, include animal and human shapes, the most frequent of which is the wild goat. Unlike dispersion of various rock motifs in other regions of Iran, plant, symbolic, and abstract motifs are rarely seen in Shotorsang. The role of Goat as one of the most important animals in continuity of human life indicates the significance of this animal which is abundantly found in petroglyphs of Shotorsang. According to historical documents and evidences, wild goat is one of the oldest known symbols in human history, which is observed in ancient Iran since Neolithic period in different forms such as sculptures remaining from Neolithic shelters (Sarab, Ganj Darreh ...), paintings on pottery (pottery works excavated from Sialk, Shush, Esmaeilabad ...), engravings on utensils or rocks, and so on. Goat is the symbol of water, moon, prosperity, affluence, fertility, and is also the symbol of life. Once upon a time this animal had been worshipped as the embodiment of human fertility and was considered identical with Sumerian fertility god, Tammuz. In Hindu mythology, the goat was considered as a sacrificial animal of the god of fire. In Greek myths, goat has been a sacred animal for Zeus/Jupiter. In Christian art, the goat represents the Curse in the Last Judgment (resurrection). The objective of this study is to introduce and identify the petroglyphs in Shotorsang region and to explore distinct similarities and differences between motifs of this region and various motifs in other regions in Iran, a task that is not still seriously accomplished by researchers. This research aims at answering these questions: 1. what are the properties of wild goat motifs in “Shotorsang” petroglyphs? 2. What are the prominent differences and similarities in design structure, performance, and goat motif variation between the studied area in this research and other motifs in petroglyphs in Iran?